

# کارگر

در صفحه ۵



## کمیته های کارگران و سربازان را بسازیم

# هیچ حکومت از بالا تعیین شده ای به ایران آزادی نخواهد آورد

## پیش بسوی

# تشکیل فوری مجلس مؤسسان

### سرمقاله

پیروزی قیام تهران، درهم کوبیده شدن حکومت بختیار و تیمسارها چرخشی قاطع در تاریخ کشور ما بوجود آورده است. سلطنت پهلوی، این جنگال خونین امپریالیسم آمریکا بر کشور ما، قطعه قطعه گشته است.

در متن مبارزهای یکسال ونیمه، ۵ ماه جدال انقلابی مرگ و زندگی با سلطنت پهلوی که از جمعه خونین شهریور آغاز گشت، اعتصاب های انقلابی کارگران در سراسر کشور، بسیج زحمتکشان شهری و توده عظیم روستائی، مخالفت و تنفر همه مردم از سلطنت پهلوی، تیمسارهای خونخوار و مستشاران آمریکائی، از بیخ و خم فراوان گذشت و پیوسته عمیق تر شد. بالاخره قیام تهران، تیر را به هدف نشاند. مبارزه عظیم توده های اهریمن پهلوی را بخاک سیاه نشاند. سلطنت پهلوی سرنگون شد. کادر فرماندهی در تیمسارها، متخصصین نظامی و غیرنظامی امپریالیسم آمریکا در ایران، درهم کوبیده شد. سراسر کشور با پیروزی قیام تهران در قیام انقلابی شعله ور شد. سنگرهای متحد

سلطنت و امپریالیسم آمریکا در سراسر ایران، یکی بعد از دیگری فرو ریخت.  
کارگران و زحمتکشان:

با سرنگونی سلطنت پهلوی روزه مردم ایران بسرای استقرار حاکمیت خود مردم آغاز گشته است. انقلاب ما در مسیر برقراری جمهوری کارگران و دهقانان قدم میگذارد. امکان حصول دموکراسی کامل و پیگیری واقعی است. حصول این دموکراسی به مبارزه انقلابی و برنامه انقلابی نیازمند است.

قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن حقایق بسیار پراهمیت را در مورد وضع باند خونخوار حاکم بر کشور نشان داد: ضعف سلطنت پهلوی در شرائطی که شاه مجبور به خروج از کشور شده بود، انحطاط دارودسته تیمسارها و مستشاران امپریالیسم آمریکا، عدم اعتماد به نفس در اعماق این باند خونخوار، ترس، ترس از مردم، از انقلاب، از فردا. دو روز وقایع محیرالوقوع این قیام حقایق فوق را یکسره

### با وحدت سوسیالیست های انقلابی ایران، حزب کارگران سوسیالیست پایه گذاری شد

سلطنت پهلوی - این باکاء حیوان صفت امپریالیسم، شتمحل گشته است - حکومت خضاره این آخرین سنگر تمدن شاهنشاهی - با قیام مسلحانه توده مبارز تهران سرنگون شد. با سقوط این حکومت تمام برنامه های طبقه حاکم و امپریالیسم آمریکا برای حفظ نظام سلطنت و حاکمیت استبداد و ارتجاع نقش بر آب شد. نشان داده شد که نه توبه، نه نانک و نه مسلسل بارانی درهم شکستن اراده دهنها میلیون مردمی را که برای آزادی می جنگند ندارد. حکومتی که به زور آتش مسلح برای خود وقت میخورد در برابر اراده توده مبارز از هم بافتد و با سقوط این آخرین سنگر سلطنت، مبارزه برای استقرار حاکمیت مردم در ایران، مبارزه ای که از حماسه ستارخان تا امروز جوهر تاریخ معاصر کشور ما بوده است، به پیروزی عظیم دست یافت. مبارزه برای حصول دموکراسی و سوسیالیسم، مبارزه ای که تنها پاد زهر استبداد ظالم و عقب افتادگی مفرط حاکم بر جامعه ما است، گامی عظیم جلو برداشته. با انهدام سلطنت خونخواره امپریالیسم آمریکا پایگاه استیلائی خود بر کله سلطنت زندقی ایران را از دست داده است. بر مثلث قدرت امپریالیست - سلطنت - سرمایه داری ضربه قاطع فرود آمده، قدرت ایشان افول می کند و قدرت دوران ساز کارگران و زحمتکشان و ستمدیدگان شکوفا می گردد.

در این شرایط، حزب کارگران سوسیالیست که در کنفرانس نظمبخش دوم بهمن ۱۳۵۷ اعلام شد، اینک از طریق اتحاد گروه هایی که برای سالها در جهت ایجاد حزب انقلاب ایران کوشیده اند، پایه گذاری میشود. سوسیالیست های انقلابی، کلبه رزمندگان بین الملل چهارم در ایران از طریق این اتحاد، راه اتحاد کلبه فعالین و مبارزین انقلابی اصیل را نشان می دهند. در مقابل با حامیان بی حمت شاه در بگن و مسکو که زیر پرچم سوسیالیسم سالها با شاه ساختند و بسنه منافع توده های ستمدیده و زحمتکش ایران پشت کردند، از طریق این اتحاد برچم بدون لکه سوسیالیسم انقلابی، برچم بین الملل چهارم، بر خاک انقلاب ایران برافراشته میشود. از

فاش ساختن ارتش، این آخرین تکیه گاه نظام فاسد و خونین سلطنت پهلوی درهم ریخت. توده عظیم سربازان که ۵ ماه مبارزه مصراغه انقلابی کارگران و نظامیان و راه پیمائی هتای توده ای قلبشان را فتح کرده بود، به چشم خود دیدند که جدال مرگ و زندگی به مرحله تعیین کننده خود رسیده است. دیدند که با پیوستن به قیام امکان پیروزی دارند. دیدند که نظم و تهور فرماندهان ارتشی را می توان یکسره زیر پا گذاشت. دیدند که برای حفاظت از هر سرباز ده ها و صد ها نفر از مردم حاضرند که با سلاح و بی سلاح با قوای گارد و دارودسته تیمسارها و ساواکی ها روبرو شوند. خروج شاه و بازگشت آیت الله خمینی، صحنه این زورآزمائی قاطع را چیده بود. قدرت از دست دارودسته، هیئت حاکم خارج شده بود. اراده مردم برای سرپیچی از حکومت نظامی ۲/۳ بعد از ظهر، نشان داد که دیگر دوران سیادت سلطنت است. بقیه در صفحه ۱۱

# ۲۲ بهمن: روز پیروزی قیام تهران

نبرد را که در حدود یک کیلومتری آنجا بود پخش می‌کردند. ناگهان فریاد های هورا به پا جاست. موتور سیکلتی بسوی رت شد. در پشت راننده، آن سربازی نشسته بود که به مردم پیوسته بود و با یک دست مسلسل خود را در هوا تکان می‌داد و با دست دیگری علامت پیروزی را چند دقیقه بعد، سرباز دیگری رد شد.

جوش و خروش تهران را فرا گرفته بود. دیگر واضح شده بود که این نبرد نهایی است و پیروزی یا شکست پیش از یکسال و نیم مبارزه به نتایج مبارزه آنروز بستگی خواهد داشت. مقامات حکومت نظامی برای خاموش ساختن مردم و منفرد کردن افراد نیروی هوایی، ساعات منع عبور و مسرور را از ساعت دوازده شب به ساعت چهار و نیم بعد از ظهر افزایش دادند. عکس العمل مردم، علی الخصوص نواحی کارگرد، نشین جنوب تهران، تخلف از این قانون و شکستن آن بود. ولی صبح آن روز اعلامیه ای از طرف آیت الله طالقانی صادر شده بود که از مردم خواسته بود به منازل خود بازگردند و از ارتش خواسته بود که به پادگان های خود مراجعت نمایند. این امر باعث تردید در بسیاری از مردم شده بود.

ولی این تردید چندان دیری نماند. مدت کمی قبل از آغاز ساعت منع عبور و مسرور، آیت الله خمینی اعلام نمود که این اعلامیه جدید غیر قانونی است و از مردم خواسته که در خیابان ها باقی بمانند. جوش و خروش مردم به صد چندان رسید. خیابان ها یکی بعد از دیگری بسته می‌شد. از درخت، کامیون و هر وسیله دیگری برای مسدود کردن خیابان ها استفاده می‌شد. لاستیک ها بمیان خیابان آورده شد و آتش و دود از آنها به هوا بلند شد. در نواحی شمالی شهر، جمعیت بمراتب کمتر و پراکنده تر بود. ولی در آنجا نیز مردم ساکت ننشستند. لاستیک ها و آتش آن کلیه چهار راه ها را مسدود ساخت. تظاهراتی در شمیران و در خیابان پهلوی برگزار شد و شعارهایی در حمایت از همافران و منظور جلب سایر مردم می‌دادند. مردان در جلو فریاد می‌زدند: "مردم چرا نشستن؟" و زنان در عقب ادامه می‌دادند "ایران شده فلسطین".

ولی صحنه اصلی نبرد در جنوب شهر بود. در برابر یک چنین بسیج عظیم توده ای و ابراز همبستگی توده مردم با نیروی هوایی و بالعکس، ارتش و گارد های شاه فلج شده بودند. سربازان به پادگان ها برده شدند تا مبادا با مردم روبرو شوند و به آنان بپیوندند. دیگر هیچکس قادر به بیرون راندن این مردم از خیابان ها نبود. آنان آمده بودند تا با دست خود حکومت نظامی را لغو نمایند. از این نقطه به بعد تهاجم یا توده مردم بود. تا صبح کلانتری ها یکی پس از دیگری به تصرف مردم درآمد. در یک کلانتری واقع در خیابان شاهرضا پرونده ها از پنجره به خیابان پرتاب شده بود، و درخت های زیر پنجره را پوشانده بود. اوراق بسیاری هم در خیابان اطراف کلانتری پراکنده شده بود. در بعضی کلانتری ها مقاومت کمی از طرف سربازان محافظ و بعضی از مأموران کلانتری مشاهده شد. ولی اکثر آنها ناچیز بود.

در اتوبان کرج موانع عظیمی بر سر راه قرار داده شده بود تا از حرکت قوای ارتش بسوی تهران و کمک به گارد شاهنشاهی جلوگیری نماید. در کرج لیکر هزاران نفر پایگاه نظامی را محاصره نمودند تا مانع بیرون رفتن قوای نظامی گردند.

شبانگاه حکومت نظامی، ساعات منع عبور و مسرور را تا ظهر روز یکشنبه اعلام نموده بود. ولی هیچکس وقعی نگذاشته بود. حکومت نظامی در یکی از آخرین اعلامیه های خود، ساعات منع عبور و مسرور را از ۱۲ ظهر به ۷ صبح عوض کرد. ولی دیگر این اعلامیه ها معنای چندانی نداشت. شهر در طول شب به تصرف مردم درآمد. بود و اکنون نویسنده تسخیر آخرین سنگرهای رژیم بود.

از نزدیکی ظهر به بعد بوی پیروزی به مشام میرسید و احساس آرامش و راحتی به مردم دست داده بود. در ساعت ۱۲/۵ روز یکشنبه در میدان فردوسی فریاد خوشحالی از جمعیت بیخاست. خوشحالی از بابت اعلام تسخیر رادیو بود. ولی در حقیقت تا حدود عصر تغییرات در رادیو و تلویزیون صورت نگرفت.

در چهار راه ها جوانان ایستاده بودند و توجه مردم را به نقاط در حال تصرف جلب می‌نمودند. رادیو و تلویزیون کلانتری ها و غیره از حوالی ظهر به بعد ناگهان تعداد اسلحه های در دست مردم در خیابان ها روبه افزایش نهاد. تعداد ماشین هایی که چهار لوله، تفنگ از پنجره های آن بیرون زده بود یا موتور سیکلت سوارهای تفنگ بسردوش و جوانانی که اسلحه هایی در دست داشتند و می‌دیدند، بمراتب افزایش یافت. پادگان ها و انبارهای اسلحه به تسخیر مردم درآمد. در اکثر نقاط هیچگونه مقاومتی علیه تصرف مردم در آنجا نبود. در اکثر نقاط هیچگونه مقاومتی علیه تصرف مردم در آنجا نبود.

از طرف سربازان صورت نگرفت. هیچ يك از آنان دیگر حاضر به دفاع از این رژیم بوسیده نبود. در روز بعد، از بعضی از کامیون های ارتش که سربازان در آن سوار بودند، تفنگ ها بسوی مردم پرتاب شد و شعار "ما همه سرباز توایم خمینی، گوش بفرمان توایم، خمینی شنیده شد. در انتها فقط مقاومت پراکنده، درجه داران ارتش، گارد شاهنشاهی و مأموران مسلح ساواک باقی ماند. پیوستن سربازان به انقلاب نشان داد که جنبش عمیق و تظاهرات توده ای عظیم در عرض يك سال گذشته، تیر انقلاب را به قلب سربازان نیز نشانه روی کرده و آنان را بطرف انقلاب جلب نموده بود. فقط این ضربه قاطع و نهایی لازم بود تا آترو علنا بسوی جنبش انقلابی بکشاند.

## آغاز قیام

پس از حمله گاردها به همافران، به پایگاه فرج آباد همچون خبر رسید که مأموران گارد سوار بر تانک از شمال شهر عازم شده اند. پایگاه برای دفاع از خود آماده شدند. افسران جدیدی از طرف هنرجویان و همافران انتخاب شده تا مسئولیت دفاع را بعهده بگیرند. اسلحه مابین پرسنل توزیع شد.

تقاضای کمک افراد نیروی هوایی از مردم تهران بدون جواب گذاشته نشد. سیل جمعیت مردم، همبستگی انقلابی خود را با نیروی هوایی از طریق سرازیر شدن بسوی پایگاه نشان دادند و به قوانین حکومت نظامی و ساعات منع عبور و مسرور که از ۱۲ نیمه شب آغاز می‌شد، وقعی نگذاشته و از بیرون به محاصره مأموران گارد ادامه دادند. بدین ترتیب پیوستن انقلابی نیروی هوایی توده عظیم و انقلابی تحکیم یافت. این ابراز همبستگی نقش قاطع در پیروزی قیام بازی کرد. زیرا که اگر پرسنل نیروی هوایی تنها مانده بودند، به احتمال بسیار قوی اعتراض آنان توسط افراد گارد، با قتل عام آنان خاموش می‌شد. ولی مردم که برای مدت بیش از یکسال گاه به انعام و گاه به تندی از ارتش خواسته بودند که به آنها بپیوندند، نمی‌توانستند و نمی‌بایست تقاضای کمک نیروی هوایی را نادیده بگیرند. صداهای "الله اکبر" از پادگان فرج آباد در حقیقت پاسخ مثبت به شعارهای "برادر ارتش، چرا برادر کشی؟"، "به ارتش ایران بگوئید ما به شما گل دادیم، شما به ما گلوه"، "ارتش برادر ماست" و غیره بود. ساعتی از نیمه شب گذشته است، مردم مردند که بازگردند یا بمانند. عده ای شروع به ترک محل می‌کنند. ولی کافدی که بدور سنگی پیچیده شده است از درون پادگان به خارج پرتاب می‌شود. بر روی آن نوشته است: "مردم ما را تنها نگذارید". صدای فریاد همافران دیگری که نزدیک به گریه کردن است از درون شنیده می‌شود: "مردم ما را ترک نکنید". دیگر درنگ جایز نیست. بایستی باقی ماند و مبارزه کرد. مردم می‌مانند. تعداد کمی اسلحه در میان آنان موجود است که احتمالا متعلق به "جبهه های فدائوسی خلق" و "مجاهدین خلق ایران" است. نبرد آغاز می‌گردد. این نبرد سراسر شب بطول می‌انجامد. طی آن مقاومت گاردها شکسته می‌شود. پیروزی از آن مردم و افراد نیروی هوایی است. ۶۳ نفر کشته می‌شوند که اکثر آنها از گارد های شاهنشاهی هستند. تعداد زیادی اسلحه و تعدادی تانک به تصرف مردم در می‌آید.

صبح روز شنبه ۲۱ بهمن ماه تمام ناحیه فرج آباد تا تهران نوبه تصرف مردم و افراد نیروی هوایی درآمد. است. نیروی هوایی آغاز به توزیع اسلحه مابین مردم می‌نماید. به افراد یا کارت پایان خدمت سربازی اسلحه داده می‌شود. حفر سنگر و ساختن باریکادها آغاز می‌گردد. هزاران نفر دست به کار می‌شوند. مردم در پشت بامها با اسلحه های خود ساخته از قبیل کوکتل مولوتف موضع گرفته بودند.

در این موقع بقیه شهر نیز خیرد ار شده است. مردم با ماشین های خود و بوق زدن و جلب توجه، اخبار را پراکنده می‌ساختند. بعضی ها تکه هایی از پارچه سفید را حرکت می‌دادند که نشانه احتیاج به مواد دارویی بود. علاماتی انواع خون مورد احتیاج و نام بیمارستان ها را اعلام می‌نمود. جوانانی که در روزهای قبل حفظ انتظامات در تظاهرات را بعهده داشتند، شروع به سازماندهی نمودند. برخی از خیابان ها را مسدود نمودند تا آمبولانس ها و اتوبوس های مبارزین بتوانند به آسانی عبور کنند. برخی دیگر از خیابان ها برای جلوگیری از ورود مردم به نواحی تیراندازی و نبرد مسدود شده بود.

هزاران نفر در نواحی مختلف جمع شده بودند تا حمایت خود را از افراد نیروی هوایی اعلام کنند. آنچه که خود من در میدان فردوسی مشاهده کردم، نمونه ای است که در سراسر شهر تکرار شده است. حدود ساعت یک بعد از ظهر صد ها نفر در میدان فردوسی جمع شده بودند. اتوبوس ها به سرعت در هر دو طرف در حرکت بودند و اخبار

گزارش زیر از قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن تهران در هفته نامه های سوسیالیستی روز در فرانسه و میلیتانت در آمریکا بجا رسیده است. گزارش حاضر با همکاری خبرنگاران بین المللی این دو نشریه انقلابی تهیه گردیده است.

یکشنبه ۲۲ بهمن روز پیروزی قیام و روزی بود که ستاد ارتش شاه تسلیم جنبش انقلابی شد. در این روز سازمان ارتش در تهران و سپس در شهرهای دیگر ایران فرو ریخت و حتی نیروهای زده شاه نظیر گارد شاهنشاهی و گارد جاویدان نیز در مقابل جنبشی که برای مدتی بیش از یکسال و نیم با گرفته بود و در وقت مردم ستم پدیده ایران و خود ارتش ریشه دوانده بود، تاب مقاومت نیاورد و شکست خورد.

اولین پیروزی اساسی جنبش اخراج شاه از ایران در اواخر دی ماه بود که بعنوان "معالجه و استراحت" از کشور خارج شد. پس از آن حکومت بختیار که بدست شاه و قبل از سفرش منصوب شده بود به کمک امرای ارتش قصد داشت جلوی جنبش ایستاده و آن را به عقب بازگرداند. او سعی کرد، لوی بازگشت آیت الله خمینی را با اشغال نظامی فرودگاه بگیرد. ولی فشار جنبش او را مجبور به عقب نشینی نمود. مراجعت آیت الله خمینی پیروزی جدیدی بود برای مردم که با دست خود و نیروهای خود آنرا بدست آورد.

خمینی پس از بازگشت به ایران، مهدی بازرگان را بعنوان نخست وزیر منصوب نمود و از مردم خواست که بلا تظاهرات پشتیبانی خود را از این انتصاب اعلام دارند. نتیجه آن تظاهرات عظیم روز اربعین در سراسر ایران بود. تفاوت مشخصی که این تظاهرات با سایر تظاهرات گذشته داشت این بود که برای اولین بار صد ها نفر از همافران و افراد نیروی هوایی در حالیکه لباس های نظامی خود را پرتن داشتند، در آن شرکت کرده و بدین ترتیب وجود شکافی را در ارتش که از مدت ها قبل حس می‌شد، علنی نمودند. فرماندهی ارتش شاه برای جلوگیری از فرو ریختن دیسپلین در ارتش و گسترش حمایت علنی از انقلاب به سایر بخش های ارتش و همچنین برای منفرد نمودن نیروهای انقلابی در ارتش، در روز ۲۰ بهمن گارد شاهنشاهی را برای محاصره پایگاه فرج آباد که محل اقامت هنرجویان و همافران نیروی هوایی بود، ارسال داشت.

عصر همانروز، مراسم ورود آیت الله خمینی به ایران که ارتش قبلا از نمایش آن جلوگیری کرده بود، از طریق تلویزیون نمایش داده شد و بدینال آن عده ای از هنرجویان به ابراز احساسات پرداختند. مأموران گارد برای جلوگیری از این عمل به درون آمدند و به هنرجویان حمله ور گردیدند. هنرجویان برای طلب کمک و مطلع ساختن مردم از حوادث درون پایگاه فریاد های "الله اکبر" را سر دادند.

این بانک الله اکبر، آغاز نبردی بود که به قیامی در سراسر ایران منجر شد و باعث فرو ریختن آخرین سنگرهای مقاومت رژیم شد.

اگرچه افراد نیروی هوایی از جمله پیشقراولان افراد نظامی بودند که مستقیما به جنبش انقلابی پیوستند، مع الوصف نبردهایی که در روزهای بعد صورت گرفت نشان داد که سربازان ارتش از مدت ها قبل قلبشان به تصرف انقلاب درآمده بود و فقط منتظر موقعیت مناسبی بودند تا به جنبش بپیوندند. در هیچ يك از مبارزات روزهای بعد مقاومت سازمان یافته ای

در این شماره:	
۱	سرمقاله
۲	وحدت سوسیالیست های انقلابی
۳	۲۲ بهمن: روز پیروزی قیام تهران
۴	درباره اعتصاب کارگران جنرال موتورز
۲	سالگرد طغیان بهمن ماه تبریز
۵	بیش بسوی نشریه "هفتگی کارگر"
۵	نشریه "کارگر" و میراث انقلابی لندن
۷	اعلامیه بین الملل چهارم خطاب به کارگران و زحمتکشان ایران
۸	در آستانه یک انقلاب
۱۰	بیستین سالگرد انقلاب گویا
۱۵	آموزش سوسیالیستی: بین الملل چهار چیست
۱۶	ملاقات کارگران با داریوش فروهر
۱۶	۱۷ اسفند، روز جهانی زنان

# درباره اعتصاب کارگران جنرال موتورز

پروین نجفی

اکنون پس از چهار ماه اعتصابات فراگیر کارگران اعتصابات که چرخ های اقتصادی کشور را متوقف کرد و رژیم شاه را به زانو درآورد ، حکومت جدید به تمام کارگران دستور بازگشت به سرکار داده است . ولی کارگران چهارماه اعتصاب نکردند و همه سختی ها و مشکلات و مصائب را بجان خریدند که دوباره به زیر دست همان مدبرها و کارفرماهای قبلی که با کارگران مانند برده رفتار می کردند بازگردند . لازم است که مشکلات و مسائلی که کارگران در سال های سیاه گذشته با آن روبرو بوده اند ، اجحافات و حق کشی هایی که به کارگران تحمیل می شده ، بررسی شده و نظام جدیدی که از حقوق و منافع کارگران دفاع می کند در کارخانه ها مستقر شود .

برای نمونه نگاهی کوتاه به وضع کارگران کارخانه جنرال موتورز ایران بیندازیم که به قول معروف مشت نمونه خروار است . این کارخانه با سرمایه گذاری مشترک جعفر اخوان و بنیاد پهلوی در سال ۱۳۵۲ شروع به کار کرد . در طی این سال ها کارگران از کوچکترین حتی در کارخانه برخوردار نبودند . تأمین اقتصادی کارگران برای مدیریت این کارخانه مفهوم بیگانه ای بوده است . هرگاه کارفرما اراده می کرد ، بدون هیچ دلیل و مدرکی می توانست هر کارگری را هر گروهبی از کارگرانی را که می خواست اخراج کند . مسائل ایمنی در کارخانه تقریباً وجود خارجی ندارند و جان و سلامت کارگران در خطر دائمی قرار دارد . بسیار بودند کارگرانی که در این کارخانه صدمات جبران ناپذیر جسمی دیده اند . به انواع و اقسام بهانه های مختلف از چند ساعت دیر رسیدن به سرکار گرفته تا استفاده کردن از عینک که خیلی غیرعادی است ، کارگران بسوخت جرمه شده و مجبور به بیگاری برای کارفرما می شوند . سالن غذا خوری بیشتر به زباله دانی شباهت دارد تا غذا خوری و حتی در بعضی موارد غذای آن مسموم بوده است . وقتی که کارگران به خاطر مسوومیت غذا نمی توانستند سرکار حاضر شوند ، از طرف کارفرما جرمه هم می شدند . شرکت تعاونی کارخانه که بنا بر اساسنامه اش قرار است مواد اولیه زندگی کارکنان را از قبیل برنج ، حبوبات و

دیگر وسائل اولیه زندگی فراهم کند ، و بدون هیچ بهره ای در اختیار آنها قرار دهد ، برعکس براساس از اشیا لوکس و تزئینی که نه کارکنان قدرت خریدش را دارند و نه ببردشان می خورد و در ضمن با انواع و اقسام دیسه ها و نیرنگ های مختلف ، تحت عنوان "وام ضروری" کارگران همیشه به این تعاون بد هکارند .

مبارزات کارگران کارخانه جنرال موتورز از بدو تشکیل این کارخانه بدور و محور اساسی بهبود بخشیدن به شرایط غیر قابل تحمل اقتصادی کارگران و دفاع از حقوق دموکراتیک کارگران در مقابل مدیریت ، صورت گرفته است . ساواک یار و یاور مدیریت بود و بعضی اینکه کارگران صدای اعتراض خود را بلند می کردند ، کارفرما مأموران ساواک را خبر کرده و کارگرانی که در این اعتراض پیش قدم شده بودند ، بسه سیاه جال های ساواک برده می شدند .

همراه با اوج گیری مبارزات مردم ، کارگران نیز مبارزه خود را علیه کارفرما تشدید کردند . در اواخر سال گذشته کارگران کارخانه جنرال موتورز یکبارچه دست به اعتصاب زدند و خواهان بالا رفتن دستمزدها ، حق مسکن و خوار یار و همچنین خواهان اخراج عده ای از عناصر مدیریت شدند . ولی بعد از چند روز قوای نظامی کارخانه را اشغال کردند و همه کارگران اخراج شدند . عده ای را تحویل ساواک دادند و بقیه کارگران پس از دادن تعهد دوباره به سرکار خود بازگشتند . ولی کارگران دست از مبارزه برنداشتند و پس از تجدید قوا و بازسازی صفوف خود ، در تابستان همزمان با تشدید مبارزات انقلابی در سطح ایران ، دوباره دست به اعتصاب زدند و اینبار هم خواهان همان اضافه مزد و حق مسکن و همچنین اخراج همان عده بخصوص از مدیریت شدند . ولی اینبار اعتصاب به نحو دیگری برگزار شد . بدین ترتیب که کارگران هرروز بر سرکار خود می آمدند ولی کار نمی کردند . این نحو برگزاری اعتصاب بدین خاطر بود که در اعتصابات قبلی وقتی کارگران دست از کار کشیده و در نقطه معینی جمع می شدند ، برای مدیریت و نیروی های ساواک و ارتش

آسان بود که آنها را متفرق کرده و با دستگیر کنند . در این هنگام که روابط نیروها در سطح کشور هم شدیداً علیه رژیم شاه و سرمایه داران مفتخوار که حامیان رژیم او بودند ، برگشته بود ، مدیریت جنرال موتورز هم تصمیم گرفت که عقب نشینی کند و حدود ۳۵۰ تومان به هر کارگر دادند . ولی کارگران اعتصاب را ادامه دادند .

در آبان ماه با اعتصاب قهرمانانه کارگران صنعت نفت که منجر به قطع گاز شد ، کارخانه بطور اتوماتیک تعطیل شد . در این هنگام کارگران ترجیح دادند که اعتصاب را بشکنند ، هر روز بر سرکار حاضر می شدند . ولی به علت نبودن گساز کارخانه بحالت نیم تعطیل درآمد بود . در این مدت مدیریت تعداد زیادی از کارگران مبارز را اخراج کرد . همچنین در این زمان جعفر اخوان با میلیون ها تومان پول که حاصل دستنرخ کارگران بود به خارج فرار کرد .

پس از بازگشایی کارخانه در اواخر دی ماه مدیریت کارخانه از در جدیدی وارد شد و پیشنهاد کرد که از طرف سندیکای فرمایشی کارخانه همبستگی خود را با مبارزات مردم بصورت تشریفاتی در روزنامه اعلام کند . در این هنگام کارگران و کارمندان مبارز سندیکای فرمایشی را غیرقانونی اعلام کردند و خود دست به تشکیل یک شورای موقت کارگران زدند . پس از انتخاب نمایندگان ، این شورا تشکیل شد . وظایف این شورای موقت اولاً تشکیل صندوق اعتصاب و ثانیاً آگاه کردن کارگران از نقشه ها و برنامه های آینده اقتصادی و سازمانی مدیریت کارخانه تعیین شد . تا کارگران بتوانند به این مسائل رسیدگی کنند . در ضمن کارگران خواهان مکانی در کارخانه برای تجمع کارگران و کارمندان شدند تا آنها بتوانند در آنجا جمع شده و عقاید خود را آزادانه بیان کنند . اما مدیریت بعضی اطلاع از این موضوع بلافاصله کارخانه را به مدت ۱۰ روز تعطیل کرد .

در نتیجه شورای موقت کارگران مجبور شد که اولین جلسه خود را در روز پنجشنبه ۵ بهمن ماه در دانشگاه صنعتی تهران برگزار کند . در این جلسه کارگران و کارمندان مبارز درباره خفقانی که مدیریت در طی سالهای دراز در کارخانه ایجاد کرده بود و حق کشی ها و ظلم هایی که بر کارگران تحمیل می شد سخن گفتند . یکی از کارگران گفت که : " درست است که بازاری و میبند میبندیم میگوید مرگ بر شاه و کارگر هم میگوید مرگ بر شاه ولی فرق بازاری با من کارگر اینست که او اگر در مغازه اش را هم دو ماه ببندد ، هیچ مسئلهای برایش نیست ، ولی اگر من سرمایه خود را بگیرم زن و بچه هایم گرسنه خواهند ماند . پس قوی است بین من و او که هر دو میگوئیم مرگ بر شاه " .

مشکلات و مسائل کارگران جنرال موتورز نمونه ایست از آنچه بر تمام کارگران ایران گذشته است . در طی سال های سیاه اختناق کارگران با خون و پوست خود درک کردند که استبداد پهلوی است که کارفرما و صاحبان کارخانه هارا بر جان و مال کارگر صاحب اختیار می کند و کارگران را از کوچکترین حق تشکیل ، بیان و مبارزه دستجمعی برای بهبودی به اوضاع و شرایط غیر قابل تحمل خود ، محروم کرده است . بیجهت نیست که کارگران یکسداً و یکبارچه در سراسر ایران به مبارزه علیه استبداد پهلوی میروستند و هستی و نیستی خود را در راه سرنگونی رژیم شاه قرار دادند .

این دست توانای طبقه کارگر بود که ضربات قاطعی بر بیکره رژیم شاه وارد آورد و راه را برای پیروزی گیتی هموار کرد . اکنون پس قیام بیوزمندان تهران و سایر شهرها و فروپختن آخرین سنگرهای سلطنت خوتین پهلوی ، کارگران و زحمتکشان انتظار دارند که از تمام جوانب مختلف جامعه ایران خفقان زدائی شده و دموکراسی و آزادی در تمام سطوح مختلف جامعه ، اعم از اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مستقر گردد .

در کارخانه ها نیز تمام روابط گذشته که دیکتاتوری مدیریت را مستقر می کرد ، باید به یکباره متلاشی شود . در عوض کارگران باید بتوانند از طریق سندیکاها و شوراهای موقتی و دیگر سازمان هایی که تشکیل داده اند ، کنترل کارخانه ها را بدست گیرند .

نیاید اجازه داده شود که سرمایه داران مفتخوری که جز " لایفک رژیم ترور پهلوی بود " اند و از دستگاه های سرکوبگر سلطنت از قبیل ارتش ، پلیس و ساواک ، برای به بیگاری کشیدن و استثمار هرچه بیشتر کارگران استفاده کردند ، به فرمانروایی خود بر حیات اقتصادی کشور ادامه دهند .

صاحبان بسیاری از کارخانجات بزرگ ایران مانند صاحبان کارخانه جنرال موتورز ( بنیاد پهلوی و جعفر اخوان ) از ماه ها پیش فرار را برقرار ترجیح دادند . اکنون مدیران و ایادی آنها در این کارخانه ها می خواهند از خون و جان کارگران این زالوها را بازهم فربه تر کنند . این وضع نمیتواند و نباید برای یک لحظه ادامه یابد . دیکتاتوری سرمایه داران مفتخور و ایادی آنها در کارخانه ها باید سرنگون شود و کنترل دموکراتیک کارگران بر کارخانه های ایران مستقر گردد .

## در اعتراض به انتصاب فرماندهان نیروی هوایی

پیوندش با مردم و منافع آنان بیان قیام ۲۱ بهمن استوار باشد ، بگوئیم؟

فرماندهان ارتش شاه همواره به ما گفته اند که سیاست دخالت نکنیم . ولی این یک حقه بازی بیش نیست . مقصود آنان از عدم دخالت ما ، ایجاد خفقان در ارتش و جلوگیری از اعتراض به جنایات خود آنان علیه مردم و جیباول ثروت کشور است . ما بایستی در ارتش از حقوق دموکراتیک برخوردار باشیم و در تعیین سیاست های آن سهمی باشیم تا از ما و سربازان برای گشتار و اجحافات نسبت به مردم بیگناه و آزاد یخواه و مبارز استفاده نشود . ما بایستی از حقوق انسانی برخوردار باشیم و خود فرماندهانی را انتخاب کنیم که مورد اعتماد ما بوده و نه افرادی که برای ما منصوب می گردند و هرروز ما را مورد تحقیر و اهانت قرار می دهند .

اکنون واضح است که این حقوق به ما داده نخواهد شد ، مگر اینکه مجدانه برای تحقق آنها بگوئیم و خود را برای این منظور مشکل نمائیم . از این جهت است که عده ای از مساهما همافران ، برای احقاق حقوق خود حول خواست های زیر همصدا شده ایم :

۱- برخورداری از حقوق دموکراتیک از قبیل آزادی سخن و تلم در ارتش ، آزادی اجتماعات ، حق عضویت در احزاب سیاسی ، حق شرکت در انتخابات و برخورداری از حق رأی ، حق ازدواج آزاد و لغو ممنوعیت تحصیل

۲- انتخاب فرماندهان با بستی بوسیله خود همافران و بصورت دموکراتیک صورت گیرد . در این انتخابات افراد متفاوت می توانند بعنوان کاندیدا معرفی شده و با رأی اکثریت انتخاب گردند

۳- تشکیل کمیته های همافران و سایر نیروهای نظامی در هر پادگان بمنظور مبارزه برای خواست های آنان در امور ارتش و در امور سیاسی کشور

۴- گسترش کلیه حقوق فوق به سربازان در همه قوای ارتشی . سربازان توده عظیم مسلح جنبش انقلابی حاضر را تشکیل می دهند . کسب این حقوق توسط سربازان است که بنیاد آزادی در همه قوای ارتش را ممکن خواهد کرد . ما از کلیه همافران و سایر افراد نظامی دعوت می کنیم که برای احقاق خواست های بحق و انسانی فوق با ما همصدا شوند . ما همچنین از عموم مبارزین و آزاد یخواهان ایران تقاضای حمایت و پشتیبانی از خواست های فوق را که قدمی است در راه حکمران کردن پیوند های ما با آنان ، داریم .

گروهی از همافران طرفدار دموکراسی در ارتش و مشورت با یکدیگر برای منافع خود ایجاد ارتشی که

دوستان همافران

مبارزه ای که بیش از یکسال قبل برای حصول دموکراسی و عدالت اجتماعی در کل جامعه ما آغاز شده بود ، انعکاس خود را در ارتش نیز پیدا کرد . سربازان ، همافران و سایر افرادی که هرروز مورد اهانت فرماندهان خود قرار می گرفتند ، اشخاصی که از کوچکترین حقوق انسانی نظیر آزادی سخن ، حق تشکیل و اجتماعات ، حق رأی و غیره در ارتش محروم بودند ، به انقلاب عظیم مردم ایران پیوستند تا یکسره کل این نظام فاسد را براندازند و نظامی را جایگزین آن سازند که دیگر از اهانت های سابق و حقارت و بی عدالتی و فقر انان ها چه در ارتش و چه در کل جامعه خیری نباشد . آنان آمال خود را در این می دیدند که دست اتحاد بسوی مردم در حال مبارزه دراز کرده و متحداً این رژیم فاسد را منقرض سازند تا نظمی جدید در خدمت منافع همه مستمیدگان جامعه برقرار گردد و ضایعات و ستم های گذشته محو گردد . شرکت ما همافران و سایر نیروهای نظامی در نظاهرات عظیم روز اربعین و سپس شرکت در قیام روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه که متحداً در صفوف مردم علیه گارد های شاه و تیمسار های مبارزه کردیم خود بهترین شاهد این ادعا است .

ولی متأسفانه اتفاقاتی که در چند روز اخیر رخ داده است ، درست در جهت عکس اهداف فوق و دلایل مبارزه ما بوده است . همان مهره های رژیم سابق که وفاداری خود را را نه تنها قبلاً به شاه ابراز داشته بودند بلکه در طول مبارزه نیز هیچگاه در کنار ما سگر نگرفتند ، به عنوان فرماندهان ما و بدون کوچکترین مشورتی با ما ، برای ما تعیین شده اند .

بایستی از خود بیرسم پس این همه شهید از میان همافران و سربازان برای چه بود ؟ همزمان ما خطر مرگ را بجان نخیدیم تا اینکه همان آتش و همان کاسه قدیمسی برقرار شود . ما دواطلبانه در کنار مردم و در صفوف متحد آنان جای گرفتیم و در مقابل گلوله های دشمن متحد شدیم تا برای عدالت اجتماعی و دموکراسی مبارزه کنیم ولی اکنون بایستی بهمان وضع سابق بازگردیم . کجاست آن دموکراسی در ارتش که ما برای آن مبارزه کردیم ؟ کجاست حق آزادی سخن و قلم ما ؟ کجاست حق آزادی اجتماعات و تعلق به احزاب سیاسی ؟ کجاست حق شرکت در انتخابات و برخورداری از حق رأی ؟ کجاست حق تعیین و انتخاب دموکراتیک فرماندهان توسط خود ما ؟ و بالاخره کجاست حق تشکیل ما در ارتش تا بتوانیم با ایجاد کمیته های خود و بحث و مشورت با یکدیگر برای منافع خود ایجاد ارتشی که

# بگذارید توده‌های کرد خود تصمیم بگیرند

آذر طبری



آیا آقای امیر انتظام سیاست حکومت آقای بازگان را منعکس می‌کند؟ آیا حکومت جدید بد نیال برداشتن چماق "تجزیه طلبی" علیه مبارزات بحق مردم مستندیده کردستان است؟ بخصوص که در کلیه اعلامیه های "تجزیه طلبی"، چه از طرف حکومت بختیار وجه از طرف افراد حکومت جدید، همیشه حقیقت ستم ملی به آذربایجان، کردستان و بلوچستان، این رکن اساسی تحکیم دودمان پهلوی مسکوت گذاشته می‌شود. چگونه می‌توان شاه و نظام سلطنت را برانداخت ولسی پایه های ظلم اجتماعی آن را دست نخورده گذاشت؟ مگر همان رضاخان و ارتش رضاخانی نبود که آزاد یخواهان کرد را قتل عام کرد و کردستان را به بند کشید؟ مگر همان محمد رضا و ارتش شاهنشاهی نبود که رزمندگان کردستان را به خاک و خون کشید. سراسر کردستان را دوباره سلبتاریزه کرد. هزاران مبارز کرد را به جوخه اعدام سپرد و هزاران دیگر سی سال گذشته را در زندان ها بسر بردند؟ پس چگونه می‌توان آن شاه را برانداخت و ارتش شاهنشاهی را "تصفیه" کرد، ولسی همان سیاست ها را علیه آزاد یخواهان کرد بکار گرفت؟

توده کارگران و زحمتکشانی که در یکسال گذشته در راه آزادی مبارزه کردند هیچ سوغتی در ادامه ستم نظام پهلوی بر خواهران و برادران کرد خود ندارند. مبارزه آزاد یخواهان کرد هرگز حکومتی را که واقعا معرف آرمانهای آزادی توده ها باشد "متزلزل" نخواهد ساخت. تنها حکومتی از این مبارزات بهراس می‌افتد و متزلزل می‌یابد که قصد ادامه ستم ملی بر توده کرد را داشته باشد. مردم ایران که خود در راه آزادی این همه خون نثار کرده اند، سربازان ایرانی که در چند هفته اخیر به صفوف مبارزین آزادی پیوسته اند نمی‌توانند اجازه دهند که اکنون برای سلب آزادی و حفظ ستم بکار گرفته شوند. تنها راه تحکیم انقلاب بسط آزادی به تمامی اقشار تحت ستم است. تنها راه تثبیت انقلاب ایران بیرون آوردن ارتش و گله نیروهای نظامی از کردستان و باز کردن راه برای توده های کرد است که خود آزادانه تصمیم بگیرند چه حکومتی می‌خواهند. حکومتی مستقل می‌خواهند یا نه، نه یک گلوله و نه یک سرباز نباید علیه توده مبارز کرد بکار گرفته شود. تمام آزاد یخواهان باید صدای خود را در دفاع از حق ملت کرد در تعیین سرنوشت خود بلند کنند.

کردن مبارزات آزاد یخواهانه مردم ایران، از جمله مبارزین ملت تحت ستم کرد، بود جز این چیزی انتظار نمی‌رفت. ولی دولت بازگان که خود را نماینده انقلاب و توده انقلابی می‌داند چگونه این تهدیدات را توجیه می‌کند؟ امیر انتظام معاون نخست وزیر در مصاحبه دو شنبه ۳۰ بهمن می‌گوید: "سیاست دولت این است که بهیچوجه اجازه ندهد هیچ قسمت و هیچ منطقه ای از خاک ایران از ایران جدا شود و باکمال قدرت از چنین اتفاقی جلوگیری خواهد شد." شما می‌دانید که موقعیت ایران از نظر ژئوپلیتیک موقعیت بسیار حساسی است و امکان ایجاد جنسک داخلی و قطعه قطعه شدن ایران غیر ممکن است. تمام اینها دسیسه هائی است که حکومت انقلابی را متزلزل بکنند، اینها فقط و فقط شایعه است و از حد شایعه و اسم و اعلان تجاوز نخواهد کرد.

بگذارید دیگر کردستان تیره های درشت روزنامه های ایران را تسخیر کرد. در زمان نوشتن این مقاله سه شنبه صبح، اول اسفند ۱۳۵۷ هنوز روشن نیست چه در این سرزمین گذشته است. رادیو و تلویزیون و روزنامه ها هیچگونه خبری منتشر نکرده اند. فقط صحبت از "شایعه اعلام استقلال" و جمله برخی دستجات کرد به پاسگاه های ژاندارمری است. بی شک وقایع مهمی در جریان بوده اند که باعث شده دولت هیئت نوری ویژه ای، از جمله دارنوش قزوین وزیر کار را، به کردستان اعزام کند و از پخش اخبار مربوطه جلوگیری نماید. چند هفته پیش هم دولت بختیار بی اختیار با تاسک تهدید علیه "تجزیه طلبان" کرد را برداشته بود و تهدید می‌کرد که با آنها به حکم "متجاوزین به سلطنت" رفتار خواهد کرد. البته از دولت بختیار که مأموریت تاریخی سرکوب

آذربایجان به تهران احضار شده و با از کار برکنار شدند. شاه یک "کمیسیون شاهنشاهی" برای "تحقیق" به تبریز ارسال داشت و نتیجه "تحقیقات" این بود که طغیان تبریز کار خارجی ها بوده است!

در طول سلطنت پهلوی، مردم آذربایجان، علاوه بر خفقان و سانسور، مشقات اقتصادی و اجتماعی که گریبانگیر تمام مردم ایران بود، تحت سخت ترین ضربات ستگری ملی پهلوی نیز بوده اند. سلطنت پهلوی حق ملیت های مستندیده (ترک، کرد، بلوچ، عرب و غیره) را برای استفاده از زبان مادریشان از آنان گرفته و با انواع تبلیغات و فشارهای پلیسی در سرگیری فرهنگ و شعائر ملی این ملیت ها کوشیده بود. بیش از ۲۲ سال پیش نیز شاه ارتش خود را در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ سرکوب نماید.

طغیان بهمن ماه تبریز انتقام کشتار ۲۱ آذر نیز بود. زیرا تبریز که برای سومین بار در تاریخ ما بیام خاصه، اولین صریه کاری را بر بیکر استبداد فرود آورد و الهام بخش مبارزاتی در سایر نقاط ایران شد که سرانجامش سقوط سلطنت خونین پهلوی بود.

باشاسین تبریز

طغیان بهمن ماه ۱۳۵۶ تبریز، خاطره ستارخان را زنده کرد که در زمان استبداد صغیر، در حالیکه فدائیان بر همه شهرهای ایران چیره شده بود، با گروه کوچکی در محله امیرخیز مقاومت نمود و مقاومت همین گروه بود که به تدریج جنبش را در تبریز احیا کرد. بطوریکه لشکر محمد علی شاه را که به تبریز اعزام شده بود، شکست داد و بعد از آن هم تفرقه هائی که برای درهم شکستن مقاومت تبریز ارسال شده بودند و رضاخان که بعد ها رضاشاه شد نیز جزو آنان بود، مغلوب شدند و به تهران بازگشتند. مقاومت دو ماهه تبریز، جنبش مشروطه را در نقاط دیگر ایران احیا کرد و سرانجام محمد علی شاه و سردار لیاخوف را در تهران به تسلیم به قوای انقلاب وا داشت.

طغیان بهمن ماه تبریز خاطره قیام انقلابی مردم آذربایجان را در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ و کوتاه کردن دست ارتش سرکوبگر و ژاندارمری شاه از آذربایجان زنده کرد و دوباره نور امید برای کلیه مبارزین و انقلابیون شد.

سرعت عمل شاه در ارسال قوای نظامی به تبریز پس از طغیان بهمن ماه تبریز، نشانه هراس او از گسترش هرچه بیشتر موج اعتراضی و از کنترل خارج شدن کامل آن بود. بفاصله چند روز پس از واقعه تبریز، استاندار آذربایجان، رئیس سازمان امنیت و عده ای از فرماندهان نظامی

## سالگرد طغیان بهمن ماه تبریز

علی گلستان

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ هیجگاه از خاطره محو نخواهد شد. در این روز تبریز یک بار دیگر بیاختاست و ضربه ای سهمگین بر بیکر استبداد پهلوی فرود آورد. این بزرگترین ضربه ای بود که سلطنت شاه در ربع قرن پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بخود دیده بود. طغیان تبریز مرحله جدیدی را در مبارزه علیه رژیم شاه آغاز کرد و ارتعاشاتی در بسیاری از شهرهای دیگر ایران احساس شد. طغیان تبریز که بمناسبت چهلم کشتار قم صورت گرفته، خود باعث شد تا چهلمش در بیش از ۵۰ شهر ایران و با عظمتی بی سابقه تر و بصورت تظاهرات توده ای گسترده برگزار گردد. تحرکی که طغیان تبریز ایجاد کرد، هیئت حاکمه و حامیان جهانیس را بلرزه در آورد. روزنامه های آمریکائی که تا قبل از آن ایران را "جزیره ثبات" امپریالیسم می‌دانستند، پس از وقایع تبریز نوشتند و احساس کردند که "رژیم شاه تیرک برهشته است" با آغاز این ترک بود که "جزیره ثبات" تبدیل به جزیره انقلاب شد و اکنون الهام بخش کلیه استعدیدگان جهان کشته است.

## حزب ما حزب شماست، به حزب کارگران سوسیالیست بپیوندید

اگر معتقدید که هیچ حکومت از بالا تعیین شده ای به ایران آزادی نخواهد آورد. اگر فکر می‌کنید که سرنوشت کشور باید به دست اکثریت توده محروم تعیین گردد. اگر طرفدار گسترش و بسط دموکراسی هستید. اگر از مبارزات کارگران، زحمتکشان، ملیت های ستم دیده، زنان و جوانان برای احقاق حقوقشان حمایت میکنید. اگر فکر می‌کنید که مسائل اساسی جامعه ایران تنها با شوکت و مشارکت توده عظیم مردم و بدست کارگران و زحمتکشان قابل حل است. اگر می‌خواهید به شکل سازمان های مستقل مستعد یگان سند بکاها، کمیته های کارگران، سربازان و روستائیان مسدد برسائید. اگر می‌خواهید برای دنیائی انسانی، و عالیتر عاری از ظلم، ستم، تبعیض و استثمار مبارزه کنید. به حزب کارگران سوسیالیست بپیوندید. همزرحیمان، دبیر سرسری حزب کارگران سوسیالیست

استالین و خفقان سیاسی لایزال حاکم بر شوروی و چین یگان شمرده می‌شد. امروز که طغیان انقلابی مردم ما بساط سلطنت پهلوی و دستگاه فرمانروائی امپریالیسم را درهم کوبیده، در میان پیشگامان مبارزات انقلابی کشتی پرشور برای احیای سوسیالیسم اصیل، برای احیای آداب کمونیست های اولیه، ایران و استادان اعظم مارکس، انگلس، لینن و تروتسکی پدیدار گشته است. نفرت از نظام استثمارگر سرمایه داری و مقاومت و اعتراض علیه بی عدالتی ها و حملات امپریالیسم و سرمایه داران، هر روز بخش های وسیعتری از مبارزین انقلابی و کارگران پیشرو را در جهت دستیابی به عقاید سوسیالیسم اصیل و سنت های دموکراتیک آن سوق می‌دهد. مبارزین سوسیالیستی که در حزب کارگران سوسیالیست گرد هم آمده اند، پس از ۵۰ سال قطع تداوم، پرچم بی لکه سوسیالیسم را دوباره در خاک ایران افراشته میکنند. پیام ما دشوار نیست.

۵۰ سال پیش قهرمانان واقعی سوسیالیست و دموکراسی ایران، کمونیست های اولیه، سلطان زاده و یاران او، با به دست آمدنکشان رضا شاه در ایران و با زیر تیغ جنرالان استالین در شوروی کشته شده اند. استبداد دوران ارتجاع پهلوی مداومت سنت انقلابی آنان را قطع کرد و امکان دست یابی مجدد به آنرا غیر ممکن ساخت. بد نیال قلع و قمع سوسیالیست های اولیه، احزاب وابسته به بوروکراسی های سکو و یک بویژه حزب توده، آداب و سنن خود را که همان آداب و سنن بوروکراسی های شوروی و چین است، جایگزین سنت های پیشگامان سوسیالیسم ایران ساختند. این احزاب که پیوسته منعکس کننده منشی ضد انقلابی حاکمین استالینیست شوروی و چین بوده، همواره بر اختناق و خشتناک در ایس کشورها صحنه گذاشته اند. نام سوسیالیسم را ننگین و پرچم آنرا لکه دار ساختند. در چشم دو نسل از مردم کشور ما، سوسیالیسم با حمایت برزنف ها، مائوفا و هوا کوننگ ها از قداره بداند سلطنت پهلوی، با اردوگاههای کار اجباری

# کارگر

این شماره از چه باید کرد در زمانی منتشر می شود که امپراطوری اختناق، شکنجه، دزدی، فساد و آدمکشسی پهلوی که بدست امپریالیسم آمریکا بر پوست و استخوان میلیون ها نفر توده، ستمدیده بنا شده بود، در اثر قیام انقلابی مردم فرو ریخته است.

با درهم کوبیده شدن سلطنت پهلوی و دستگاه فرمان - روانی امپریالیسم آمریکا، مردم ایران در نبود دوران ساز خود برای برقرار کردن رژیم دموکراتیکی که جوابگوی آسایش و خواست های اکثریت زحمتکش جامعه باشد، به پیروزی بزرگی دست یافته اند. تمام حقوقی که دسترسی به آنها زیر سیوغ استبداد برای کارگران، زحمتکشان و توده محروم بنظر غیر ممکن می رسید، از آزادی و عدالت اجتماعی گرفته تا حق به یک زندگی سالم و انسانی و عاری از ستم و استثمار، امروز قابل حصول، عقلانی و ضروری می نماید. لکن بدین منظور بیش از هر چیز ضروری است که ندا و خواست های آن بخش - های تحتانی جامعه که با جانبازی خود پیروزی کثرتی را میسر کرده اند یا صدای بلند اعلام کرد، تا کارگران و زحمتکشان که در دوران ارتجاع و استبداد پهلوی از دسترسی به افکار عمومی بکسر محروم بوده اند بتوانند - خواست های حقه خود را بگوش همه جامعه برسانند، از مبارزات یکدیگر باخبر شوند و بدین مبارزات جهت بخشند.

سوسیالیست های انقلابی که ۵۰ سال حققان لایسزال امکان بخش و نشر عقاید شان را از آنان سلب نموده و کارگران پیشرو و آگاه که از امکانات سیاسی و مادی برای به زبان آوردن نیازها و خواست هایشان محروم بوده اند، امروز بیش از پیش به نشریه سراسری خود نیازمندند.

برای سال های سال، نشریات، رادیو و تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی یا زیر تیغ سانسور یا تحت لاسوی بیطرفی، حقایق و واقعیتها را از چشم مردم زحمتکش پنهان کرده اند. اکثر وسایل ارتباطی غالباً در انحصار صاحبین ثروت و قدرت بوده اند و نتیجتاً پیوسته بسود ممتازان واقعیت ها را قلب و تحریف کرده اند. بجای افشای استثمار بیرحمانه کارگران و شرایط غیر انسانی کار آنان بر واقعیت استثمار شده و استثمارگر سرپوش گذاشته می شود و در حالی که میلیون ها انسان گننام و بی نام و نشان یا ایثار جان و خون خود بار سنگین مبارزه را بر دوش کشیده و می کشند، مطبوعات و خبرگزاری ها، بیامون کلیه مسائل اساسی اجتماعی نظریات این یا آن شخصیت مشخص و صاحب نامی را درج می کنند که بنام توده زحمتکش، اما علییه خواست های آنان سخن می گویند.

زحمتکشان نمی توانند انعکاس نیازهای خود را در چنین نشریاتی بیابند. امروز بیش از هر زمانی دیگر به نشریه ای نیاز هست که در خدمت منافع کارگران و رنجبران منتشر گردد. در راه جامعه عمل پوشاندن بدین مقصود، سوسیالیست های انقلابی از تحارب گوناگون - از جمله کسانی که تاکنون در هیئت تحریریه چه باید کرد فعالیت داشته اند - گرد هم آمده، نشریه کارگر را پایه ریزی کرده اند.

کارگر، نشریه ای خواهد بود که از کف کارخانه ها و مبارزات خیابان ها سخن خواهد گفت. اما به گزارش واقعی اخبار مبارزات که خود به تنهایی وظیفه ای اساسی است اکتفا نخواهد کرد. کارگر در گزارشات و تحلیل های خود نه بی طرف خواهد بود و نه مدعی بی طرفی است بلکه در مبارزه بین ستمدیده و ستمگر، بین استثمار شده و استثمارگر، مبارزه ای که جوهر تاریخ کمونی است، همواره از ستمدیده و استثمار شده جانبداری خواهد کرد.

هدف اینست که کارگر بی عدالتی و ستم را از هر سو که ظاهر شود فاش سازد و در خدمت منافع طبقه کارگر، دهقانان فقیر، زنان، ملیت های ستمدیده و تمام محرومین و استثمارشدگان سخن بگوید.

کارگر برای همه مردم ایران منبع حقیقت خواهد بود. کارگر آموزش خواهد داد و پرده از دروغ ها و ریاهه های سرمایه داران و نروتمندان و آبادی آنها بر خواهد کشید و راه را بسوی جامعه ای بهتر و والاتر نشان خواهد داد. کارگر، درس های مبارزات گذشته را استخراج کرده، قدم های بعدی را در جهت حرکت به پیش نشان خواهد داد. کارگر تنها به گزارش و تفسیر وقایع نخواهد پرداخت.

بلکه تهییج خواهد کرد و سازمان خواهد داد. کارگر تلاش خواهد کرد تا توده را بسوی عمل سوق دهد و به ساختن سازمان های مستقل ستمدیدگان و پیشبرد مبارزات آنان مدد رساند.

کارگر به سنت های تاریخی، انقلابی و جهانی طبقه کارگر وفادار خواهد بود. اخبار مبارزات ستمدیدگان سراسر جهان را منعکس خواهد کرد و از پیش یا مبارزات آنان همبستگی خواهد داشت. کارگر نه فقط حقایق مربوط بسه

جانیات امپریالیسم را بازگو خواهد کرد بلکه در باره نفس حاکمین کمونی شوروی و چین این باران سلطنت پهلوی نیز حقیقت را خواهد گفت.

کارگر نشریه سراسری سوسیالیست های انقلابی و تربیون آزاد کلیه زحمتکشان خواهد بود.

با ظهور کارگر در هفته آینده، انتشار چه باید کرد در شکل کمونی متوقف خواهد شد و چه باید کرد، متناوباً بصورت ضمیمه ای نظری بر کارگر منتشر خواهد گشت.



## نشریه «کارگر» و میراث انقلابی لنین

انقلابیونی که در شهرهای مختلف پراکنده بودند، مشخص و روشن نمود:

لکن اگر ما نشریه ای داشتیم، این ارتباط بصورت یک قاعده در می آمد، و البته این امر نه تنها توزیع نشریه را ممکن می کرد بلکه (مهمتر از آن) امکان رده و بدل کردن تجربیات، مطالب، نیروها و منابع را نیز فراهم می نمود. کار سازمانی بلافاصله دامنه وسیعتری می یافت و موفقیت در یک ناحیه مشوق عالی برای رسیدن به کمال بیشتر می شد. و این خواست را در انسان ایجاد می کرد که از تجربه رفا در نواحی دیگر کشور استفاده کند. فعالیت در هر ناحیه برانگیزی تر و متنوع تر از وضع فعلی می شد. مطالب سیاسی و اقتصادی که از سراسر روسیه جمع آوری شده بود می توانست برای کارگران تمام جنوب، در هر مرحله ای از پیشرفت که باشند، غذای فکری تهیه کند. این مطالب می توانست موضوع و موقعیتی برای گفتگو و مطالعه درباره متنوع ترین مباحث فراهم آورد. هر طغیان و هر تظاهراتی در سراسر روسیه از تمام جوانب مورد سنجش و بحث قرار می گرفت و بدین ترتیب خواست همگام شدن و حتی جلو زدن از دیگران را برمی انگیزد.

لنین نتیجه گیری کرد که بدو یک نشریه انقلابی می توان حزب انقلابی را سازمان داد. بیامون جد و جهدی که هنوز بخودی خود بسیار بی گزند و کوچک، لکن بمعنی واقعی کلمه منظم و مشترک است، لشکری از رزمندگان آزموده بطور منظم گرد آمده، آموزش خود را می بینند.

نشریه لنین و سازمان دادن به حزبی که بتواند از عهد و وظیفه غول آسای متشکل کردن تهاجم انقلابی توده کارگر و دهقانان و سربازان روسیه برآید، نقش اساسی بازی کرد. مفهومی را که لنین عرضه کرد، راهنمای مرکزی ما در انتشار نشریه سراسری سوسیالیست های انقلابی است.

در مقابل وظائف و تعهدات انقلاب حاضر، اقدام به انتشار هفته نامه سوسیالیستی کارگر، تربیون آزاد مسردم زحمتکش قدمی اساسی به جلو است. هیچ نیرویی نه تانک و مسلسل و نه جرب زبانی های سازشکاران قادر نخواهد بود عزیمت توده انقلابی را که با هدف و برنامه ای روشن جزم شده باشد، درهم بکوبد. ترویج، تبلیغ و سازماندهی بدو در جنب برنامه ای هدف اصلی نشریه جدید خواهد بود. هیئت تحریریه کارگر

## درباره «کارگر»

برخلاف نشریات سرمایه داری که از همه گونه منابع مادی و مالی برخوردارند، کارگر تنها می تواند به کمک های مردم زحمتکش متکی باشد. ما از همه خوانندگان دعوت میکنیم تا با کمکهای خود، اشاعه و نشر حقیقت و عقاید سوسیالیسم را در سطح هر چه وسیع تر ممکن کنند.

کارگر، تربیون آزاد مردم زحمتکش

سردبیر: بابک زهرانی

اعضای هیئت تحریریه: حسین تقسوی، حسن صبا، آذر طبری، سعید عارفی، حمزه کاوسی، علی گلستان، وحید ناصر، پروین نجفی

پیام سوسیالیست های انقلابی که در صد انتشار هفته نامه کارگر برآمدند ساده است: کارگران، زحمتکشان، جوانان انقلابی خود را بدو برنامه انقلابی متشکل کنید. این تنها طریق تدارک برای کارزار جدی در راه حفظ، گسترش و پیروزی نهایی انقلاب ماست.

مبارزین سوسیالیست با گام گذاردن در این مسیر، میراث پیشگوتان و استادان انقلابی ما و تجربه بیش از یکصد سال مبارزه را دنبال می کنند.

با انتشار کارگر، کوشش ما در جهت ایجاد نشووه سراسری انقلابیون سوسیالیست است. نشریه ای که بتواند بدو برنامه و اهدافی روشن لشکری از رزمندگان آزموده را گرد هم آورد و اسلحه مؤثری برای نشر عقاید سوسیالیستی در نبرد عظیم و مبارزه انقلابی زحمتکشان ایران و سازماندهی آن فراهم کند. تربیونی آزاد که مردم زحمتکش، مسایل، مبارزات و خواست های خود را بدون تحریف در آن منعکس کنند.

این همان مسیر پیشگوتان و استادان انقلابی ماست. ۲۲ سال پیش هنگامی که لنین چنین روزنامه ای را تحت عنوان ایسکارا در روسیه بنیان گذاشت، با انتقاد برخی از انقلابیون روس مواجه شد. بگمان این منتقدین انتشار یک نشریه سراسری برای سازمان کوچک و زیرزمینی انقلابیون در حکم استفاده نادرست از منابع موجود بود. ایشان می گفتند که همه انرژی باید برای کار سیاسی زنده بکار انداخته شود و منظور آنان ازین نکته فعالیت و شکل محلی بدو مبارزات اقتصادی بود.

لنین پاسخ این منتقدین را در چه باید کرد داد (سال ۱۹۰۲). او گفت که قرار دادن یک فعالیت مشخص در مقابل انتشار نشریه ای که خط سیاسی را تعیین می کند، کاری است مطلقاً غلط.

ترویج سیاسی زنده تنها طریقی است که می توان کار سیاسی زنده را شروع کرد، و اینکار بدون داشتن نشریه ای برای سراسر روسیه که مرتباً منتشر شود و بطور منظم توزیع گردد، امکان پذیر نیست. (تمام تأکیدها از لنین)

انتشار یک نشریه سیاسی برای سراسر روسیه باید خط مشی اصلی ای باشد که ما از طریق آن همواره به توسعه، تعمیق و گسترش سازمان بپردازیم (یعنی آن سازمان انقلابی که در همه حال آماده حمایت از هر اعتراض و هر طغیانی است).

تفاضی می کند به من بگوئید، وقتی که بنهاها دارند آخر - های قسمت های مختلف ساختمانی را که عظمت و جسته ای بی سابقه دارد رویهم می چینند، آیا کاغذ بازی است استفاده از ریسمانی که به آنان کمک می کند تا جای صحیح برای چیدن آجرها را پیدا کنند. که به آنان هدف نهایی از کار مشترکشان را نشان می دهد، که به آنان کمک می کند تا نه تنها از هر آجر بلکه حتی از هر تکه هر آجر طوری استفاده کنند که وقتی به آجرهای جدید شده قبلی و بعدی جسیبید به شکل یک خط کامل منته در آید؟

یک نشریه نه تنها خط سیاسی کلی را عرضه می کند، بلکه کمک می کند که مردم خودشان را سازمان دهند و خط سیاسی را به مرحله عمل بگذارند. و یا بقول لنین:

نشریه نه تنها یک مبلغ و مروج جمعی است، بلکه یک سازمان دهنده جمعی نیز هست. از این جهت نشریه را می شود با داریستی مقایسه کرد که در اطراف بنایی که زیر ساختمان است برپا می کند. این داربست طرح و نقشه ساختمان را نشان می دهد و ارتباط بین سازنده ها را تسهیل می کند و این امکان را به آنان می دهد که کار موجود را تقسیم کنند و نتایج مشترک کار سازمان یافته خود را ببینند.

لنین منظور خود را با بیش کشیدن مسأله ارتباط بین

## برای بسط و توسعه کمیته‌های محلی بکوشیم

علی گلستان

با متلاشی شدن رژیم شاه و کلیه قوای سرکوبگر آن نظیر کادر فرماندهی ارتش، ساواک، پلیس و ژاندارمری که در هیچ زمان هدفی جز حفظ سلطنت و سیستم خفقان‌زای آن نداشتند. نیروهای انقلابی با یک ساله اساسی رویسرو بودند: اکنون که این سازمان‌ها از بین رفته‌اند چه توسعه سازمان‌های بایستی جایگزین آنها کردند که در عین حال به حفاظت و صیانت دستاوردهای انقلاب نیز بکوشند؟ بحث‌های بسیاری بیرونی تجدید سازمان ارتش در ایمن روزها جاری است که همگی از این موضوع یعنی جایگزینی ساختن ارتش یا نیرویی مدافع و حامی انقلاب سرچشمه‌گیری دارند. از دیگر سازمان‌هایی که پس از سقوط رژیم شاه بوجود آمده است، کمیته‌های محلی است که برای حفاظت و پاسداری از مناطق مسکونی و علی‌الخصوص به هنگام شب ایجاد شده‌اند. قبلاً این وظایف بعهده پلیس و شهرپایی و کلانتری‌های محل بود که فساد و خفقان سزناپای آنها را فرا گرفته بود. با تصرف کلانتری‌ها بدست مردم و خلع سلاح آنها، اکنون نگهبانی از نواحی مسکونی مختلف بدست نیروهای انقلاب و جوانان انقلابی افتاده است. این کمیته‌ها در سطح محلی سازمان یافته‌اند و اکثراً در مساجد محل تشکیل جلسه می‌دهند. منشأ این کمیته‌ها به مدت‌ها قبل باز میگردد. در زمان حکومت نظامی، تعداد جوانان بالنسبه قله‌سی شب‌ها برای مراقبت از محل در خیابان‌ها جمع می‌شدند. با اعلام بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران و تشکیل کمیته استقبال، تجمع این جوانان حالتی سازمان یافته پیدا کرد و در کمیته استقبال درگیر شدند. پس از سقوط رژیم و بدست آوردن اسلحه، این جوانان کمیته‌ها و تشکلهای قله‌سی را همچنان حفظ نموده و برای حفاظت از محلات خود مشغول شدند. یکی دیگر از فعالیت‌های سابق این جوانان شرکت در تعاونی‌های اسلامی بود که کنترل و توزیع مایحتاج

مسلم است که بجای کلانتری و پلیس، اینگونه کمیته‌های محلی بایستی برای حفاظت و پاسداری نقاط مسکونی به حیات خود ادامه دهند و بصورت سازمان‌یافته دائمی یا مقرر مخصوص درآیند. اساسی‌ترین مسأله‌ای که این سازمان‌ها با آن روبرو هستند، تبدیل این کمیته‌ها به کمیته‌های کسالتی و موکراتیک است که در آنها آزادی بیان، بحث و غیره برای کلیه اهالی هر محل تضمین گردد. زنان نیز باید از حقوق کامل مساوی یا مردان برخوردار گردند و بایستی بتوانند آزادانه در بحث و تصمیم‌گیری شرکت نمایند.

همچنین این نوع سازماندهی باید به کلیه نواحی شهرها تعمیم داده شوند و حفاظت و نظافت هر ناحیه مسکونی شهر به دست اهالی آن سپرده شود. این کمیته‌ها بایستی فقط به پاسداری از محله‌های شهر اکتفا نمایند. آنان می‌توانند و بایستی مراکز برای تجمع و بحث سیاسی در مورد مسائل روز سیاسی و امور کشور درآیند. این کمیته‌ها میتوانند برای تشکیل مجلس مؤسسان و تضمین برقراری دموکراتیک آن بکوشند و این نوع دستاوردهای انقلابی نظیر کمیته‌های محلی را در قانون اساسی آینده ایران حک نمایند. هر مسأله‌ای که جامعه با آن روبرو است، این کمیته‌ها نیز با آن روبرو هستند. کارگرانی که در این نواحی سکونت دارند می‌توانند مسائلی را که در محل کار خود با آن روبرو هستند، در کمیته‌های محلی به بحث بگذارند. مسأله سربازان کشته برای سازمان دادن ارتشی دموکراتیک و انقلابی می‌کوشند، می‌تواند مسأله بحث این کمیته‌ها گردد و با امثال آن

در دوره‌های بعدی این کمیته‌ها می‌توانند با یکدیگر در سراسر شهر و یا کشور ارتباط پیدا کرده و در پیوند با کمیته‌های کارگران، سربازان و دهقانان، کمیته‌های سراسری شهر و یا کشور را برای اداره امور سیاسی شهر و یا کشور سازمان دهند. این اساس برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان خواهد بود.

روزانه نظیر نفت را بعهده داشتند. پس از بدست گرفتن کنترل محله‌ها و حفاظت از آنان، یکی از مسائلی که این کمیته‌ها با آن روبرو شدند، تصمیم‌گیری در مورد مسایل مختلف بود که کمیته روزانه با آن مواجه می‌شد. به اقداماتی از قبیل خلع سلاح جوانان توسط رهبران مذهبی دست زده شد که غالب اوقات با مخالفت جوانان روبرو می‌شد. این نوع اتفاقات و مسائل از این دست، اکثراً این احساس را به جوانان می‌داد که خود آنها هستند که باید در این تصمیم‌گیری‌ها شرکت داشته باشند و ایمن تصمیم‌گیری‌ها باید بصورت دموکراتیک انجام شود. در بعضی نقاط بحث‌های بسیاری پیرامون خلع سلاح صورت گرفت. اکثر جوانانی که با این امر مخالف بودند بدستی احساس می‌کردند که نیروهای خود آنان بهترین مدافعین هر ناحیه را تشکیل میدهند و بایستی باندازه کافی برای مقابله با حملات احتمالی نیروهای پراکنده رژیم مجهز باشند. در بعضی نقاط که مسأله ارجاع کنترل محل به کلانتری‌ها مطرح شده بود، مخالفت‌هایی با این امر صورت گرفته است. زیرا همان افرادی که تا دیروز از طرفداران و حامیان رژیم شاه بودند، اکنون نمی‌توانستند برای حفاظت از دستاوردهای انقلابی که تا آخرین لحظه در برابر آن مقاومت مسلحانه کرده بودند، شایسته باشند. بعضی از این کمیته‌ها هم اکنون تصمیم گرفته‌اند که کلانتری‌های سابق محل را مرتب نموده و مرکز خود را در آنجا مستقر سازند.

در اکثر جلساتی که در مساجد برگزار می‌شود، زنان نیز شرکت می‌کنند. ولی آنان از مردان جدا شده و در قسمت دیگری از مسجد تجمع می‌کنند. بعلاوه، آنان مستقیماً حق صحبت و یا بحث را ندارند. اگر سؤالات یا مطالبی هم برای گفتن داشته باشند، غالباً آن را بروی کاغذ نوشته و به قسمت مردانه می‌فرستند.

... قیام

بادگان‌ها توسط مردم صورت نگرفت بود. در بعضی بادگان‌ها بر سر بدست آوردن اسلحه و سایر وسایل ارتشی کوشش‌هایی رخ داد. ولی هیچ یک حادثه جدی بیار نیسارود. برخی از افراد غننگ داشتند ولی غننگ نداشتند عده‌ای هم غننگ داشتند ولی غننگ نداشتند. اکثر افسراد سبزر کوچکترین اطلاعی در مورد استفاده از اسلحه نداشتند. در ساعت ۴ بعد از ظهر رادیو اعلام نمود که ارتش طرفدارانی خود را از مردم اعلام نموده است. مردم همه مطمئن شده بودند که بیروزی در دست است. جراح‌های اتومبیل‌ها روشن شد و صدای بوق از همه جا به گوش می‌رسید. مردم به یکدیگر با علامت بیروزی درود می‌فرستادند.

هر لحظه بر تعداد کامیون‌ها و جیب‌های ارتشی و اتومبیل‌های پلیس در خیابانها افزوده میشد ولی اینبار جوانان که اکثراً مسلح نیز بودند سرنشینان آنها تشکیل می‌دادند. این کامیون‌ها برای درهم شکستن آخرین نقاطی که هنوز مقاومت‌هایی در آنها صورت می‌گرفته فرستاده می‌شدند. اطراف مجلس، باغشاه، دانشگاه، انستیتو و غیره در جلوی بیمارستان ارتش، سربازها بیرون ریخته در خوشحالی مردم تیرک شدند. پارچه سفیدی سر در بیمارستان را پوشانده بود. تا غروب بادگان لویزان، گارد شاهنشاهی و گارد جاویدان تسلیم شده بودند. تا روز بعد سایر ساختمان‌ها نیز به تسخیر درآمده بود. اداره مرکزی ساواک در سلطنت آباد، کاخ گلستان، زندان قصر، زندان اوین، زندان فزل حماد، زندان کمیته، در بعضی از این نقاط تهران‌داری‌های شدیدی نیز بین طرفداران رژیم و حمله‌کنندگان رخ داده بود. ولی تا عصر روز دوشنبه همه پایگاه‌های اساسی رژیم به تصرف درآمده بود. روزنامه اطلاعات روز دوشنبه با تیترو درشت اعلام کرد: رژیم متلاشی شد.

یکی از نقاط مورد تفسیر شدید مردم سفارت اسرائیل بود که در روز یکشنبه به اشغال آنان درآمده بود. تغییرات محسوسی دیده میشد. در جلوی سفارت بر روی پارچه‌ای نوشته بودند: "مرکز بر اسرائیل، بیروز باد فلسطین". نام سفارت هم تغییر کرده بود و با حروف انگلیسی بر روی آن نوشته بودند: "سفارت سازمان آزادبخش فلسطین". عده زیادی از جوانان در دانشگاه تهران تجمع کرده بودند. شخصی کارنامه‌ای برای شاه درست کرده بود و ریز نمزاتی را درج نموده بود. در رشته حقوق پسر شاه رفوزه شده بود و در رشته حماقت بالاترین نمره را کسب کرده بود. در باین کارنامه نوشته بود که چون پدر شاه زنده نیست که کارنامه اش را امضا کند، تیش جیم کارتر آنرا امضا نموده است.

عصر روز یکشنبه رادیو و تلویزیون که به صدای انقلاب و سیما انقلابی تغییر نام داده‌اند شروع به کار نمودند و افراد مختلف شروع به صحبت و تیرک نمودند.

معجزه می‌کردند و بعضی فقط بیست زده بودند. کارگری می‌گفت: حتی خود آقا هم نمی‌توانست سه روز قبل بیل چنین اتفاقات خوبی را باور کند. اسمش را هرچه بگذاریم - معجزه، مبارزات طبقاتی و یا هرچیز دیگر - یک امر مسلم است: فرورختن استبداد شاه بیروزی بزرگی است برای همه. ستم‌بندگان ایران و جهان. برای کسب این بیروزی، مردم ما مبارزه طولانی کرده‌اند. مبارزه‌ای طولانی تر از یکسال زد و خورد جنش بود. ای با ارتش، مبارزه‌ای طولانی که به ستارخان، این عظیم‌ترین قهرمان ملی تاریخ ایران برمیگردد. بالاخره مردم ما حساب خود را با مخلوق سما، شاه آذخوار و سلطنت آدمکش پهلوی تسویه کرده‌اند.

که به دست رژیم شاه به قتل رسیده بودند و افراد دیگر، بیروزی قیام در تهران دیگر تظلمی شده بود. ولی این بیروزی به آسانی بدست نیامده بود. عده‌ها نفر از مبارزین کشته شده بودند و عده کثیری نیز زخمی شده بودند. اگرچه اکثر حملاتی که به پایگاه‌های رژیم صورت میگرفت بدون سازماندهی و رهبری بود و از این لحاظ جنبش به هیچ وجه قابل مقایسه با توانائی‌های دشمن نبود. مع الوصف عزم و اراده و قدرت عظیم توده‌ای قیام، بیروزی آنرا تضمین نمود.

در پایان قیام مردم با ناپاوری به آن نگاه می‌کردند. چطور ممکن است شاه با آنچه ساواک، ارتش و حمایت آمریکا سقوط کرده و بساطش ازهم بپاشد. بعضی صحبت از

## بیانیه جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران

- 1- شورای متشکل از معلمان و دانش‌آموزان در هر مدرسه تشکیل شده در امور اداری، اجرایی و آموزشی آن مدرسه نظارت کامل داشته باشد.
- 2- کتاب‌های درسی فقط از طریق گروه‌های واحد درسی (دبیران) که منتخب شوراهای مدارس می‌باشد قرار گیرد و در ضمن نیاز خلق‌های تحت ستم ایوان را پاسخگو باشد.
- 3- ملی شدن کلیه مدارس و لغو هرگونه شهریه و مجانی بودن کتب درسی.
- 4- سیستم آموزش دبیرستان‌ها بر اساس سیستم واحدی (مانند دانشگاه‌ها) سازمان داده شود.
- 5- فعالیت همه گروه‌های دانش‌آموزی با احترام به ایدئولوژی‌های گوناگون آنان آزاد باشد.
- 6- طرد کلیه عوامل مزدور و ساواک از آموزش و پرورش بویژه معلمان و مدیران و دانش‌آموزان که بنحوی با ساواک همکاری داشته باشند.
- 7- گسترش آموزش و پرورش و فراهم آوردن امکانات تحصیلی در مناطق روستا، عشایر، مناطق محروم کشور.
- 8- خلع امتیازات آموزشی خاص از طبقات مرفه جامعه و ایجاد امکانات آموزش یکسان برای همه طبقات جامعه.
- 9- تأمین زندگی معلمان تا بدون نگرانی مالی سطح دانش خویش در جهت پیشبرد هدف‌های آموزشی را بالا برند.
- 10- فراهم آوردن امکانات کار همراه با تحصیل برای دانش‌آموزان تا بدین طریق نیازهای مادی مانع تحصیل نگردد. و نیروی عظیم دانش‌آموزان در خدمت رشد اقتصادی جامعه قرار گیرد.

اعلامیه زیر از طرف گروهی از دانش‌آموزان در بسیاری از مدارس در نخستین روز بازگشائی مدارس پخش شد و در برخی از مدارس در صف صبحگاهی قرائت شد. در مدرسه کورش مدیر مدرسه با قرائت آن در صف صبحگاهی، تحت این عنوان که اعلامیه قبلا باید از مطالعه مدیر مدرسه می‌گذشت، مخالفت می‌کند. این مخالفت با اعتراض وسیع دانش‌آموزان، با قریادهای "سانسور، سانسور" رویسرو می‌شود. در کلاس‌های درس این اعلامیه و جلوگیری مدیر مدرسه از قرائت آن به بحث گذارده می‌شود، برخی از معلمان از اعتراضات دانش‌آموزان جانبداری می‌کنند و کلاس‌های درس به بحث محتوی این اعلامیه و دفاع از دموکراسی تبدیل می‌شوند. ما از همه دانش‌آموزان مبارز دعوت میکنیم با فرستادن اخبار مبارزات به این نشریه (از طریق فرستادن اخبار در اختیار فروشندگان این نشریه) کمک به پخش این اخبار در وسیعترین سطوح بنمایند.

ما جمعی از دانش‌آموزان مدارس و هنرستان‌های تهران برای حفظ دستاوردهای انقلاب و حاکمیت خلق در وهله اول برای دفاع از ساق توده‌ها و نابود کردن پایه‌های امپریالیسم که هنوز در کشور ما وجود دارد ایجاد ارتش خلقی متشکل از سربازان، همافران، درجه داران، افسران جز و کلیه رزمندگان خلقی که فعالانه در انقلاب شرکت داشته‌اند لازم دانسته و بر ایجاد سیستم اداری منتخب شوراهای مردمی تأکید داریم و نیز معتقدیم که هیچ نیرویی نباید مانع از انجام این تشکل شود و با توجه به این مسائل و تحلیل و بررسی اوضاع کنونی خواست‌های خود را در ده ماده بیان داشته و تا حصول کامل خواسته‌ها مسان مجدداً تلاش می‌کنیم.

# اعلامیه بین الملل چهارم

## خطاب به کارگران و زحمتکشان ایران



### به یاد کاووس همتیان، رزمنده سوسیالیست



رفیق دلیر ما کاووس همتیان پور در روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه در تسخیر انقلابی پادگان عشرت آباد شرکت کرد و به شهادت رسید. رفیق همتیان پور در سال ۱۳۳۷ در شیراز در خانواده ای متوسط پدیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسط را در شیراز به پایان رساند و از سال های آخر دبیرستان همراه با تحصیل برای گذران خویش به کار پرداخت. با آغاز بکار در سال های نوجوانی به سرعت ناسامانی های جامعه و روابط استثمارگرانه طبقاتی را تجربه کرد و در برابر آن موضع گرفت. همراهان سالهای دبیرستان او، که برخی اکنون با ما همگامند، از مبارزه جوشی او و خاطرات بسیاری دارند. در همین سال ها بود که رفیق جهت بهتر شناختن آنچه که او را به مبارزه کشاند، به مطالعه را آغاز کرد. با پایان تحصیلات دبیرستانی پس از یک سال کار در مهرماه ۱۳۵۷ به رشته زبان دانشکده ادبیات دانشگاه ملی وارد شد.

رفیق کاووس در آغاز ورود به دانشگاه فعالانه در اعتصابات مهرماه ۱۳۵۷ دانشگاه شرکت کرد و در جریان همین مبارزه در مهرماه ۵۷ به گروه جانبداران بین الملل چهارم در ایران (که اکنون همراه با سایر مبارزین بین الملل چهارم حزب کارگران سوسیالیست را بنیاد گذاشته است) پیوست و از آن پس یکی از فعالترین اعضای واحد گروه در دانشگاه ملی بود. رفیق کاووس با دیگر همگامانش در مبارزه دلاورانه مردم ما از مهرماه تا قیام ۲۲-۲۱ بهمن ماه فعالانه شرکت داشت و سرانجام در راه تحقق دموکراسی و پیکار برای سوسیالیسم در خون خویش غلطید.

یاد دلاوری و مبارزه جوشی او را گرامی می داریم و راهش را ادامه می دهیم.

سیاستمداران کهنه کار سرمایه داری که اکنون زمام حکومت را بدست گرفته اند هیچکاری نکرده اند که استحقاق قدرت تازه بدست آمده شان را داشته باشند. آنها هیچ گونه نفعی در تشکیل مجلس مؤسسانی که بیان حاکمیت مردم باشد، ندارند. تمام مسئله آنان ترمیم مجدد نظام سرمایه داری و تعمیر ارتش ازهم پاشیده آن است. حزب بی اعتبار توده از این برنامه پشتیبانی می کند. تنها پرچم بی لکه حزب کارگران سوسیالیست می تواند واقعا پاسخگوی نیازهای مردم توده ها باشد.

مجلس مؤسسان باید حکومت کارگران و دهقانان را برقرار کند که اعتبار و حاکمیت آن نه از امپریالیسم ناشی می شود، نه از پشتیبانان سرمایه دار ایرانی آن، و نه از ارتش مرتب شده آن، بلکه نتیجه سیج توده ها و کمیته های مبارزاتی آنان است. چنین حکومتی تنها ضامن برآورده شدن خواست های بحق کارگران و زحمتکشان است. تنها یک حکومت کارگران و دهقانان راه قطعی برای تضمین پیشروی سوسیالیستی، و برچیدن نهائی سیستم استعماری سرمایه داری و تسویه حساب نهائی با امپریالیسم خواهد بود که در طی چنین مدتی طولانی شیره جان شما را کشیده است.

بین الملل چهارم برای کسب پشتیبانی جنبش بین المللی کارگری از مبارزه شما و علیه تلاش های امپریالیسم در بی اعتبار ساختن مبارزه شما می جنگد. ما علیه هرگونه دخالت امپریالیستی در ایران مبارزه خواهیم کرد.

زنده باد انقلاب ایران  
زنده باد حزب کارگران سوسیالیست  
زنده باد بین الملل چهارم

۲۵ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۲ فوریه ۱۹۷۹

دیرخانه متحد بین الملل چهارم به مبارزه قهرمانانه مردم ایران که شکوهمندانه دیکتاتوری منقور شاه را سرنگون کردند درود می فرستد. نه دستگاه مهیب شکنجه های ساواک که دست پرورده "سیا" بود، و نه دستگاه اختناق و حشیانه ای که ایالات متحده آمریکا تا بن دندان مسلح کرده بود و از قدرتمندترین ارتش های جهان بود، هیچیک نتوانست سد راه پیشرفت آرمان های دموکراتیک توده زحمتکشان ایران شود.

از زمان شکست امپریالیسم آمریکا در ویتنام تا امروز توده های ایران عظیم ترین ضربات را بر امپریالیسم آمریکا وارد آورده اند. این ضربات، به مبارزه توده های ستمدیده در سراسر جهان نیروی حیات خواهد بخشید. هم اکنون شاهد شور نوینی هستیم که در توده های فلسطینی پدید آورده است.

پیام ما به کارگران و تمام زحمتکشان ایران اینست: فقط به نیروی مبارزه و سازماندهی خود تکیه کنید. کمیته های اعتصاب و شورا های محلی خود را حفظ کنید و توسعه دهید. سربازان، نمونه همافران دلیر را تکرار کنید و انتخواب فرماندهان خود را درخواست کنید و برای دفاع از حقوق خود کمیته های خود را بسازید. کمیته های سربازان و کارگران باید با هم ارتباط پیدا کنند. جهت حرکت باید بسوی ساختن انجمن های توده ای مسلح. نظیر انجمن های انقلاب مشروطه، باشد. زنان، دهقانان، ملیت های تحت ستم، مبارزه شما برای خواست های خود تنها می تواند به عقب شدن جریان انقلابی کنونی کمک کند. شما هم باید تمام و کمال درگیر کمیته های توده ای مبارزه شوید.

بیدایش، تحکیم و تمرکز این کمیته ها تنها ضامن تشکیل مجلس مؤسسانی است که بتواند بیان حاکمیت مردم و معرف اراده دموکراتیک توده های ایران باشد.

وحدت ...

طرفی این اتحاد حزب کارگران سوسیالیست خواهد توانست در هر کجا که مردم ما به مبارزه روی آوردند، دوشادوش برادران و خواهران کارگر و زحمتکش، به سازمان یافتن هر چه بیشتر این همت انقلابی اصل باری رسانند. از طریق این اتحاد، دفاع از انقلاب حاضر در مقابل توطئه های بی پایان امپریالیسم جهانی، بیش از پیش میسر خواهد گشت. این دفاع اکنون در صدر فعالیت های کلیه احزاب بین الملل چهارم قرار دارد.

سالیهای استبداد وحشی، تبعید نیروهای سوسیالیسم انقلابی در آمریکا شمالی، اروپای غربی و انزوی نیروهای داخل کشور را بیاد آورد. امروز با شکوفایی انقلاب ایران، در اثر وحدت گروه هایی که بخاطر تور پهلوی از یکدیگر جدا افتاده بودند، سوسیالیست های انقلابی امکان اتحاد نیروهای خود را یافته اند.

اکنون که رژیم ستگر و خادم امپریالیسم و استثمارگران سرنگون شده است، وظیفه تحکیم دستاوردهای کنونی و ادامه انقلاب تا ریشه کن کردن تمامی بنیانهای ظلم و استثمار و عقب ماندگی در مقابل ستمدیدگان و زحمتکشان ایران قرار دارد. نخستین گام در این راه، استقرار حاکمیت مستقیم توده های مردم است. هیچ قدرتی، بجز قدرت مردم ستمدیده، میلیونها کارگر و زحمتکش، همان قدرتی که سلطنت و استبداد شاهنشاهی را برانداخت، برای تحکیم این دستاورد و مقاومت در مقابل نیروهای ارتجاع و امپریالیسم را که در کمین ضعف جنبش و فروکش آتش انقلاب نشسته اند، ندارد. از اینروست که حزب کارگران سوسیالیست

کویا ...

انترناسیونالیسم بوده است. کمک نظامی حکومت انقلابی کویا در سال ۱۹۷۵ عامل قاطعی بود که تهاجم امپریالیسم آمریکا و آفریقای جنوبی برای خرد کردن طغیان انقلابی مردم آنگولا را با شکست مواجه ساخت. در حمله سوبالی به اتیوپی در سال گذشته، انقلابیون کویایی نقش مشابه بازی کردند. بهمانگونه که مردم کویا انقلاب در هر کشور دیگر را از آن خود می دانند و آنرا ادامه انقلاب خود می بینند، کارگران و زحمتکشان آگاه جهان نیز انقلاب کویا را دستاورد گرانبهای خویش بحساب می آورند. این تفکری است که بیشتر و بیشتر در ذهن کارگران و زحمتکشان ایرانی، که در پیروزی انقلاب ایران نقش قاطع و اساسی بازی کرده اند، رسوخ پیدا می کند. زنده باد انقلاب کویا.

### درباره

## چهار گروه که وحدت کردند

هفته گذشته با وحدت چهار سازمان سیاسی طرفدار بین الملل چهارم در ایران حزب کارگران سوسیالیست بنیاد گذاشته شد. این چهار سازمان عبارتند از:

- گروه جانبداران بین الملل چهارم در ایران که چندین سال پیش از بهم پیوستن تعدادی محافظ مارکسیستی بوجود آمده و سالها در شرایط اختناق پهلوی فعالیت کرده بود. پس از مطالعات تجربیات گذشته انقلاب های اول و دوم ایران و شناخت گرایش های بین المللی جنبش کارگری در پانزده سال گذشته جانبداری خود را از بین الملل چهارم اعلام کرده بود.
- مبارزین انجمن ستار در تبعید و حامیان آن در ایران. این مبارزین در عرض پنج سال گذشته نشریه پیام دانشجوی را بطور مرتب در خارج از کشور منتشر می ساختند. این نشریه که اخیرا همراه با اوج مبارزات انقلابی در ایران بصورت هفتگی منتشر می شد، علاوه بر تبلیغ و آموزش وسیع سوسیالیستی، افشای اختناق پهلوی در سطح بین المللی، انعکاس فعالیت های علیه تور پهلوی در خارج از کشور و دفاع از زندانیان سیاسی ایران را پیگیرانه در مرکز فعالیت خود قرار داده بود. طرفداران این نشریه از فعال ترین مبارزین "کمیته برای آزادی هنر و اندیشه در ایران" بودند. علاوه بر نشریه پیام دانشجوی، نشریه تئوریک سیاسی بررسی سوسیالیستی و انتشارات فانوسی از جمله دستاوردهای این مبارزین بوده است.
- گروه طرفداران بین الملل چهارم در اروپا که از طریق انتشار نشریه کندوکار و انتشارات طلایه ترویج ادبیات مارکسیستی و تبلیغ دیدگاه سوسیالیسم انقلابی در میان دانشجویان ایرانی در خارج را وظیفه خود قرار داده بودند و با شرکت فعالانه در سازمان دادن مبارزات "کمیته ضد اختناق در ایران" به افشای جنایات استبداد پهلوی و سامان دادن مبارزه علیه آن در جنبش های گسارگری و دانشجویی در اروپا کمر همت بسته بودند.
- کمیته برای بازسازی بین الملل چهارم که سازمانی است در سطح جهانی و اکنون در بسیاری کشورها با بخش های بین الملل چهارم همکاری دارد.

با وحدت این چهار سازمان حزب کارگران سوسیالیست بنیاد گذاشته شده است.

در مقابل تحمل هرگونه حکومت از بالا، بدون شرکت مستقیم و سازنده میلیونها مردم زحمتکش ایران، ساکت نخواهد نشست. برای تضمین و تثبیت پیروزی کنونی، در امر تشکیل فوری مجلس مؤسسان، از طریق انتخابات کاملا آزاد، با رأی مستقیم و مخفی و همگانی، لحظه ای درنگ جایز نیست. هم اکنون ارتعاش مبارزه برای دموکراسی در سطح مختلف زندگی سیاسی اثرات خود را نشان می دهد. سربازان و همافران بحق می طلبند که خود فرماندهان خود را انتخاب کنند. جوانانی که به عزم و همت خود آخرین پایه های قدرت ارتجاع را تکان دادند خواستار آنند که خود از طریق شورا های محلی دموکراتیک در مورد خلع سلاح و سایر امور محلی تصمیم بگیرند. کارگران و سایر اعتصاب کنندگان ادارات و مؤسسات خواستار آنند که خود تصمیم بگیرند به سرکار باز گردند یا نه و چگونه کنترل کارخانه ها و سایر امور تولیدی را بدست بگیرند. سایر توده های تحت ستم، زنان و ملیت های ستمدیده در جهت شکل و مبارزه برای حقوق خود به حرکت آمده اند. با شکسته شدن سد استبداد و سرنگونی سلطنت، امواج مبارزات تاریخ ساز کلیه زحمتکشان و ستمدیدگان ایران بر پایه های ستم و استثمار و بلندی های جامعه کهن می کوبند تا با انهدام آنها راه را برای ساختن جامعه ای که جوابگوی نیازهای توده های کارگر و زحمتکش باشد باز کنند.

کارگران و زحمتکشان فقط از طریق مبارزه مستقل خود می توانند به حقوق حقه خود دست یابند. برای پیشبرد مبارزات خود، برای پیوند دادن مبارزاتی که در نقاط مختلف کشور بطور پراکنده و جدا از هم صورت می گیرد، برای همبستگی و باری رساندن به سایر گردان های مبارزاتی، کارگران و زحمتکشان به حزب خود احتیاج دارند. تنها از طریق یک حزب سوسیالیستی با پایه وسیع توده ای است که می توان قاطعانه ریشه دستگاه حکومتی و نظام سیاسی سرمایه داران، ملاکین و امپریالیست ها را از بین برد و حکومتی را که بیانگر اراده و منافع کارگران و زحمتکشان است برقرار ساخت. حزب کارگران سوسیالیست، از طریق شرکت در تمام مبارزات علیه ستم و استثمار، از طریق کمک به گسترش و سازماندهی این مبارزات، بدنیال تبدیل شدن به چنین حزبی است. پیروزی نهائی انقلاب ایران در گروی ساخته شدن چنین حزبی است.

زنده باد انقلاب ایران  
حزب انقلاب ایران را بسازیم، بین الملل چهارم را بسازیم

هیئت اجرایی حزب کارگران سوسیالیست  
اول اسفند ۱۳۵۷





# بیستمین سالگرد انقلاب کوبا



مهدی  
جوادی

حدود ۲ میلیون پیسواد داشت. در حقیقت بیداشتی وجود نداشت. دو درصد جمعیت، یعنی بیش از صد هزار نفر مسلول بودند. نود و پنج درصد بچه ها در مناطق روستایی از گرم رود، رنج می بردند. درصد مرگ و میر نوزادان از نظر بالا بودنش در ردیف چهارم در دنیا بود. از سوی دیگر ۸۵ درصد کشاورزان کوچک بابت زمین اجاره هائی را می پرداختند که تا ۳۰ درصد درآمدشان را می بلعید. در حالیکه ۵۱ درصد زمینداران ۴۶ درصد کل زمین های زراعی کشور را صاحب بودند. در کنار این فقر مفرط استراحتگاه ها و هتل ها و کازینوهای لوکس بود، که در آن آمریکائی های پولدار و نوجه هایشان به خوشگذرانی وقت می گذراندند. کوسا اقامتگاهی برای سرمایه داران آمریکائی، مافیا، و کتافتهای مشابه شده بود. در مقابل کوبای فقرزده، قلبی، کوسای گتونی مثل روز در مقابل شب است.

بحران اقتصادی مزین و متناوب و بیکاری خانمان سوز برای همیشه به گذشته تعلق پیدا کرده است. اقتصاد سیا برنامه کشور که هدف اساسی اش پیشرفت و راحتی همگانی بیشتر است. برای همه شرایط کار کردن را فراهم ساخته است.

انقلاب امکانات اصلاحات ارضی واقعی را فراهم کرد. با قطع شدن خرطوم های خون آشام زمینداران بزرگ و شرکت های زراعی آمریکائی، که بصورت انگلی بر بدنه دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی چسبیده بودند، زندگی بسود و وار نیسی از جمعیت نیز خانه پیدا کرد. زمین های زمینداران بین دهقانان فقیر تقسیم شد و با بصورت مزارع دولتی و مزارع تعاونی بزرگ در خدمت همه قرار گرفت. هنگام سیا پیشرفت صنعت کوبا، کشاورزی نیز پیشرفت بسیار کرده است. استفاده از ماشین های کشاورزی، تراکتور و غیره، کود شیمیائی و غیره، ظرفیت تولید محصولات کشاورزی را بمراتب افزایش داده است. از اقدامات مهم حکومت انقلابی اجرای پروژه های آبیاری، نظیر ساختمان سد است.

دولت با بدست گرفتن کنترل بخش های اساسی صنعت به تولید هر هرج و مرج و سود جیهانه قلبی خاتمه داد. امپریالیسم آمریکا اقتصاد کوبا را به اقتصاد تک محصولی، که اساسا تولید شکر را دربر می گرفت، تبدیل کرده بود. دولت کوبا تاکنون توانسته است پیشرفت های زیادی در تغییر این وضع بد دهد.

یکی از اولین قدم هائی که حکومت انقلابی کاسترو برداشت، ازین بردن تبعیض نژادی علیه سیاهان کوبائی بود. تأمین حقوق مساوی و آزادی نسبی زنان از جمله دیگر پیشرفت های جامعه جدید کوبا است. اکنون بیش از ۳۰ درصد زنان کوبا در نیروی کار جذب شده اند و از مزایای مساوی با مردان برخوردارند. حکومت انقلابی برای تمامی زنان امکان استفاده رایگان از مهد های کودک را فراهم ساخته است.

اکنون اکثریت قریب به اتفاق مردم کوبا از خانه های مجانی برخوردارند. آنهايي هم که اجاره خانه می برد ازین تنها درصد بسیار جزئی از درآمدشان را صرف این امر می کنند. وسایل حمل و نقل مجانی برای اکثریت مردم، از دیگر ثمرات انقلاب بوده است.

موارد فوق تنها بخش هائی، و آنهم بیشتر به صورت کلی، از تحول جامعه کوبا تحت نظام جدید تولید با برنامه را نشان می دهد. ولی همین نظر کوتاه به روشنی عظمت تغییر کشوری را که در جنگال سرمایه داری در بین دست فقر مفرط گیر کرده بود، به جامعه ای در حال شکوفائی و پیشرفت در جهت رفاه همگانی نشان می دهد.

## دید انترناسیونالیستی رهبران کوبا

ولی انقلاب کوبا چهره دیگری نیز دارد. چهره ای که با شعار "دو، سه، چند و بیستام خلق کنیم" شناخته شده است. انقلاب کوبا، چه در سیاست حکومتی اش، و چه در شعور انقلابی مردم کوبا، آکنده از روحیه و تفکر انترناسیونالیستی است. رهبران کوبا، همیشه حیات انقلابشان را با پیروزی انقلاب در کشورهای دیگر گره خورد، می دید، اند. این چه تمایزی است که رهبری انقلابی کوبا را از تاسی بوروکراسی های حاکم کشورهای کارگری دیگر، شوروی، چین، کشورهای اروپای شرقی، ویتنام، کره شمالی، مجزا می کند. بهمان اندازه که لاس زدن ها و خوشخدمتی کردن های برزنف و هوا کوفنک و استالینست های دیگر بجزای ارتجاعی ترین حکومت ها، از حکومت کارتر گرفته تا حکومت شاه، تنفر و انزجار مردم زحمتکش را برمی انگیزد. سیاست انترناسیونالیستی کوبائی ها، و سعی آنان در کمک به مبارزات ضد امپریالیستی مردم جهان، عشق و محبت و همبستگی جوانان و زحمتکشان با انقلاب کوبا را دامن می زند. انقلابیون کوبائی فدائاری و جانپازی خود در پیشبرد انقلاب در کشورهای دیگر را بارها و بارها نشان داده اند. چه گواری برای میلیون ها میلیون از جهانمان

۹۰ درصد ثروت های معدنی را سرمایه داران آمریکائی صاحب بودند. همچنین ۸۰ درصد کمیانی های آب و برق و منابع نفتی کوبا کاملا به کمیانی های آمریکائی و انگلیسی تعلق داشت. بهین قرار بزرگترین مزارع دامداری کوسا در لیست اموال سهامداران آمریکائی جای می گرفت. این غول های سرمایه آمریکا تنها از طریق تحمیل طاقت فرماتریس فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برگرد، زحمتکشان کوبائی بود که می توانستند جریان سیل آسای سود های هنگفت را به بانک هایشان تضمین کنند.

هر قدم اساسی رهبری انقلاب کوبا در جهت برآوردن خواسته های اقتصادی و اجتماعی مردم، تهاجم علیه سودها و سرمایه های کوسه های مالی آمریکا، و نوکران بومی شان را اجتناب ناپذیر می ساخت.

رهبری انقلاب کوبا با ورود به هاوانا، در حالیکه ارتش باتیستا را مضمحل کرده بود، بر پایه حمایت اکثریت جمعیت، بر پایه حمایت کارگران و دهقانان، قدرت حکومتی را بچنگ گرفت، و وفادار به برنامه های اصلاحات عمیق اقتصادی و اجتماعی اش، مرحله به مرحله در جهت بهبود زندگی مردم گام برداشت. این جهت، ناگزیر بزودی مسأله مبارزه مرگ و زندگی با سرمایه داران آمریکائی و کوبائی را پیش کشید. رهبری هاوانا، بر پایه بسیج نمودن کارگران و دهقانان، که در جریان پیشروی انقلاب بیشتر و بیشتر به منافع حیاتی خود در پیروزی نهائی انقلاب وقوف پیدا می کردند، توانستند دارائی های عمده سرمایه داران آمریکائی و کوبائی را تا اکتبر ۱۹۶۰ ملی کنند. این ضربه مرگ آور بر نظام سرمایه داری کوبا بود. و بدین ترتیب دولت کارگری کوبا با به عرصه وجود گذشت.

اگرچه در ابتدا، رهبران انقلاب کوبا برنامعه آگاهانه ای برای انقلاب سوسیالیستی نداشتند، ولی بگیری آنها در تحقق اصلاحات اساسی اقتصادی و اجتماعی در زندگی مردم آنها را بسوی اتخاذ تنها راه ممکن، راه انقلاب سوسیالیستی سوق داد.

## دستاوردهای انقلاب کوبا

مقایسه ساده ای بین شرایط زندگی کوبای قبل از انقلاب و پس از آن، بوضوحی انکار ناپذیر معنی انقلاب سوسیالیستی برای جامعه کوبا را نشان می دهد.

قبل از انقلاب از جمعیت کمی بیش از ۶ میلیون نفری کوبا، حدود ۶۰۰،۰۰۰ نفر بطور دائم بیکار بودند. این رقم بیکاری ۵۰۰،۰۰۰ کارگر صنایع شکر کوبا را دربر نمی گرفت. برای این کارگران، کار تنها در مدت ۴ ماه برداشت محصول در سال وجود داشت. هشت ماه دیگر سال بنام "وقت مردم" شهرت پیدا کرده بود. میزان بیکاری کوبائی ها به نسبت مشابه، بهمان اندازه بود که در آمریکا در سال های بحران بزرگ ۱۹۲۹ پدیدار گشت.

کوبای فقرزده، هر هشت ماه از سال را در بحران اقتصادی بسر می برد.

بیش از سه میلیون و نیم در زاغه ها، و گود ها زندگی می کردند و با اصلاح خانه بدوش بودند.

لیاستان غالباً کهنه پارچه هائی بود که بهم وصله بین شده بود. آنها، علیرغم شرایط خطرناک استوائی از زور فقر ناگزیر بودند که پابرهنه باشند.

نیسی از جمعیت برق نداشتند. در مناطق روستائی یک چهارم مردم حتی چراغ نفتی هم نداشتند. پول برق و اجاره خانه نسبت به کشورهای دیگر، در بالاترین سطح ها قرار داشت. در شهرها اجاره خانه یک سوم درآمد را می بلعید.

پیسوادی از بدبختی های دیگر جامعه بسود. در مناطق روستائی ۸۰ درصد جمعیت پیسواد بودند. کلا کوبا

بیست سال پیش، در اول ژانویه ۱۹۵۹، قشون مسلح کارگران و دهقانان کوبائی، بر رهبری فیدل کاسترو، فاتحانه وارد هاوانا، پایتخت کوبا شد و باتیستا، دیکتاتور کوبا فرار کرد.

باتیستا مانند شاه ایران از دیکتاتورهای دست نشانده واشنگتن بود و دستگاه حکومت خفقان زایش، سیا اسلحه و مستشاران آمریکائی مجهز شده بود تا غارت و جپاول امپریالیسم در کوبا را تسهیل کند.

مبارزه مردم کوبا برای کسب آزادی و استقلال تاریخی طولانی دارد. جنگجویان راه آزادی کوبا، زمانی که کوسا مستعمره اسپانیا بود، توانستند پس از ۳۰ سال مبارزه سرسختانه و بیگیر، در سال ۱۸۹۸، حاکمیت ظالمانه اسپانیائی ها را درهم شکنند. ولی درست در زمانی که پیروزی کوبائی ها برای کسب استقلال در چند قدمی شان بود، آمریکا به بهانه "کنک به استقلال کوبا"، خاک کوبا را به تصرف نیروهای نظامی اش درآورد، و دوران جدید بردگی مردم کوبا شروع شد.

تاریخ کوبا از آغاز قرن تا سال ۱۹۵۹، تاریخ استثمار و استعمار و شیانه امپریالیسم آمریکا و مبارزه زحمتکشان کوبائی برای رهائی از یوغ امپریالیسم و کسب استقلال بود. دوران دیکتاتوری باتیستا در سال های دهه ۵۰ آخرین فصل این تاریخ بود.

پیروزی کاسترو بدنیال دو سال مبارزه مساحانه سازمان "جنبش ۲۶ ژوئیه"، که در مارس ۱۹۵۶ توسط کاسترو تشکیل شد، بدست آمد. کاسترو قبلا به خاطر مبارزاتش علیه دیکتاتوری باتیستا به یکی از قهرمانان ملی کوبا بدل شده بود. مبارزه ای که دسته چریکی کوچک کاسترو در دسامبر ۱۹۵۶ آغاز کردند بصورت در بین روستائیان و کارگران کوبا ریشه گرفت، آنچنان که با رسیدن تابستان ۱۹۵۸ نیروهای کاسترو آن اندازه بزرگ شده بودند که مانند یک ارتش عمل می کردند. ارتش کاسترو که از حمایت عمیق کارگران و دهقانان برخوردار بود، بصورت و پس از پیروزی های پایایی، ارتش کاملا مجهز باتیستا را شکست داد و پیروزنده هاوانا را تسخیر کرد.

برنامه کاسترو اساسا تأمین آزادی های مدنی و سیاسی و برقراری حکومتی بود که پاسخگوی خواسته های مردم باشد و اصلاحات عمیق اقتصادی و اجتماعی را برای پایان دادن به زندگی فلاکت بار توده های کارگر و روستائی کوبا جلو ببرد. سرنگونی دیکتاتوری باتیستا، اصلاحات ارضی واقعی، صنعتی کردن کشور، تأمین مسکن، حمل مسأله بیکاری، مقابله با فاجعه پیسواد و تأمین بهداشت در صدر برنامه "جنبش ۲۶ ژوئیه" و فیدل کاسترو بسود. اینها و بسیاری خواست های دیگر، بخاطر استثمار بیرحمانه سرمایه داران آمریکائی و همدستی سرمایه داران کوبائی، بعنوان نوکر و شریک کوچک اربابان آمریکائی شان به مسائل اساسی مردم کوبا تبدیل شده بود.

لکن اولین قدم رهبری کاسترو برای تحقق خواسته های فوق، بلافاصله منافع امپریالیسم و سرمایه داری کوسا را بیزیر سؤال می کشید. برای تحقق این خواسته ها لازم بود تا زنجیرهای اسارت سرمایه داری پاره شوند و حاکمیت جامعه در دست طبقه کارگر، بعنوان رهبر توده های زحمتکش قرار داده شود. لازم بود تا به انقلاب سوسیالیستی دست زده شود.

## ملی کردن صنایع و بانک ها

تولید شکر بزرگترین بخش اقتصاد کوبا است. در سال ۱۹۵۹ تولید شکر دوسوم درآمد ملی و ۸۰ درصد صادرات کوبا را تشکیل می داد. در این زمان لافل ۴۰ درصد تولید شکر کوبا تحت مالکیت شرکت های آمریکائی بود. حدود

پهلوی ۵۰ سال تورور و آدمکشی، بسر آمده است. سراسر ایران با پیروزی قیام تهران بپاخاست پیروزی تهران. پیروزیهای دیگر را در سایر شهرهای کشور به ارمان آورد.

موجی از رضایت خاطر، اطمینان، و تهور قلب های میلیونها نفر را لهریز کرد. آنان را گرم کرد. بر آنان الهام بخشید و تشویقشان کرد.

شرایط انقلابی کلی که ما باید در آن عمل کنیم بی نهایت مطلوب است. آیا مبارزین انقلابی، دموکراتهای اصیل و واقعی، انقلابیون سوسیالیست می توانند مبارزه جانانه امروز را که از هفتخوان سلطنت پهلوی پیروز سر بر آورده، پیش ببرند؟ می توانند که به عهد خود با خواست ها و آمال کارگر و زحمتکش ایرانی وفادار مانده به استقرار حاکمیت فرمانروایان واقعی ایران. توده عظیم مردم ستمدید مظلوم مدد رسانند؟ پاسخ انقلابیونی که در حزب کارگران سوسیالیست گرد آمده اند، قاطعانه مثبت است.

بیش از یکسال مبارزه که منجر به پیروزی قیام گشت يك واقعیت غیر قابل انکار را نشان داد. توده مردم هر چه زود تر به بحث مسائل اساسی مملکتی بپردازند، از بین بردن مشکلات سهل تر است. زمانی که توده مردم به بحث درباره از بین بردن سلطنت پهلوی، این مظهر اساسی ظلم و بی عدالتی و تورور پرداختند، هیچ قدرتی، نه توطئه، نه تانک و نه مسلسل در برابر آنان یاری مقاومت نداشت. سلطنت پهلوی درهم کوبیده شد. زمانی که کارگران، پایگاه اساسی قدرت در جامعه ما، به بحث مسائل اساسی کشوری پرداختند، راه حل این مشکلات روشن شد و رفع موانع آسان. اینست راه پیشروی انقلاب. هر کسی که بدین هدف مدد برساند دوست و یار انقلاب حاضر است. کسانی که سد راه تصمیم گیری خود کارگر و زحمتکش ایرانی می گردند، گرگ صفتانی هستند که پوستین گوسفند به تن کشیده، می خواهند به شکلی نوین برگردند. کارگر و زحمتکش ایرانی سوار شوند.

سخن کوتاه، اعتماد به حرف و وعده جایز نیست. به ما عمل و عملکرد نشان دهید. اینست راه برخورد کارگر و زحمتکش بر تجربه.

در وهله اول، همه غارتگران و جنایتکاران که در نظام ۲۵ سال اخیر دست داشته اند، مثل نصیری و همدستان جنایتکار دیگر او که دستگیر شده و بجزا رسیده اند، باید دستگیر شوند، اموال همگی شان باید مصادره گردد. باید همه ریشه های سلطنت وحشی از این سرزمین کنده شود.

پیروزی قیام ۲۱-۲۲ بهمن ماه به برقراری اوضاعی فوق العاده و منحصر بفرد انجامیده است. این پیروزی مدیون شت توانای کارگران، زحمتکشان و جوانان است. این شت توانا بود که سلطنت پهلوی را به زواله دان تاریخ روانه کرد. با این وجود کارگران، زحمتکشان و جوانان از سهم خود در کسب قدرت باز داشته شده اند. چرا؟ پاسخ بدین سؤال در حقایق مبارزه ۵ ماه گذشته نوشته شده است. برای ۵ ماه مبارزه توده عظیم با سلطنت پهلوی، که در میان مردم از کوچکترین حمایتی برخوردار نبود، در مبارزه با ارتش و حکومت های نظامی خلاصه شد. جنبش توده ای یا همه قدرتی که از خود پیروز می داد در مبارزه علیه ارتش غول آسای شاهنشاهی، صف منظم تیساران، ستاد کل ارتش که از نظامیان منحص ساخته شده بود، ستاد فرماندهی منظم خود را نداشت. اعتصاب، تظاهرات خیابانی و راه پیمایی تنها اسلحه جنبش توده ای علیه ارتش شاهنشاهی بود. بالاخره ۵ ماه مبارزه بیکار ارتش را از درون بوساند و ترکاند. جنبش توده ای در زمان تهاجم عظیم قیام تهران هنوز فاقد سازمان های مبارزاتی نبود. سازمان هایی که از طریق بهم بیوستگی خود ستاد نمایندگان کارگران، زحمتکشان و سربازان را در مقابل ستاد ارتش قرار دهد. اما خروش سیل آسای توده ای در قیام ۲۱-۲۲ بهمن ماه، قدرت ضد انقلابی ستاد خونخواران ارتش را فلج کرد.

در نتیجه موج خروشان انقلابی توده عظیم، کساد فرماندهی سلطنت و تیسارها را درهم کوبید. حکومت بازگان در این شرایط بقدرت رسید.

قبل از قیام، بدت ۵ ماه، از همان زمان که موج اعتصاب ها بپوزه اعتصاب صنعت نفت آغاز گشت، طبقه کارگر، با عظمت توده ای و بعنوان يك طبقه وارد مبارزه انقلابی شد. کمیته های اعتصاب در کلیه مراکز کارگری ظاهر شدند. کمیته هایی که در راه کنترل کارگری و حفاظت از کارخانه قدم گذاشتند. اعتصاب سراسری کارگران اعتماد به نفس توده را افزایش داد. بسیج جوانان، زنان و مردم آذربایجان و کردستان علیه استبداد پهلوی و سعتی فوق العاده پیدا کرد. با این بسیج عظیم، بازار هم به مخالفت با سلطنت

دستگاه دولتی را فلج کرد.

کمیته های اعتصاب و کمیته های دفاعی در نواحی مسکونی شروع به رشد کرد. کمیته ها توزیع نفت را به عهده گرفتند و برخی تعاونی ها از طریق کمیته های دفاعی بسدور مساجد شروع بظهور کردند. در این میان توده عظیم روستائی که در انزوا بسر می برد به جنبش ضد استبداد در شهرها جلب شد. تظاهرات و مبارزات روستائیان پدیدار گشت. در بعضی موارد روستائیان شروع به تصاحب زمین و ماشین آلات کشاورزی کردند.

طغیان شهر و روستا، سربازان را بسوی پیوستن به مردم سوق داد. از بحث های دانشی و تهبیح در میان سربازان، تا شرکت برخی از آنان در تظاهرات، از اعتصاب های سربازان در پادگان ها تا شکستن بخشهایی وسیع از نیروی هوائی، سربازان در بخش های مختلف ارتش راه تشکل در کمیته های خود را پیمودند. نطقه هایی از این تشکیلات شروع بظهور کرد.

اما ظهور کمیته های اعتصاب، کمیته های دفاعی در نواحی مسکونی، تشکل های اولیه میان سربازان، بخاطر عدم وجود رهبری لازم، بطور کلی بصورت مجزا از یکدیگر ظاهر شدند. کمیته های اعتصاب در کارخانه ها و مراکز صنعتی مختلف بهم پیوند نخوردند. کمیته های دفاعی در نواحی مسکونی و نیز تشکل های اولیه میان سربازان بهم پیوسته نشدند. عدم گسترش این سازمان ها و کمیته ها با در نظر گرفتن دو عامل زیر قابل فهم است: ۲۵ سال استبداد وحشی پهلوی توده مبارز در ایران را يك شبه در شرایط عدم هیچگونه تشکل، احزاب سیاسی، سازمان های صنفی، با وظایف دشوار تشکل مستقل اعتصاب ها، تظاهرات خیابانی و راه پیمایی ها مواجه کرد. ثانیاً نیروهای مسجده روی خوشی به بوجود آوردن کمیته های اعتصاب و دیگر سازمان های مبارزه توده ای از خود نشان ندادند. در همه موارد تلاش در صدور محدود کردن و تضعیف این سازمان ها بود. فشار نیروهای رهبری مساجد به این کمیته های اعتصاب در بسیاری موارد به فلج شدن کمیته های اعتصاب و استعقای برخی از نمایندگان کارگران منجر شد.

در نتیجه، ضمن اینکه شت پولادی قیام نبود، ای دار و دسته سلطنت، بختیار، و تیسارها را درهم کوبیده عدم وجود سازمان های وسیع مبارزه توده ای، در کارخانه ها و مراکز صنعتی، نواحی مسکونی و در میان سربازان، استقرار مستقیم قدرت کارگران، دهقانان و سربازان، حاکمیت واقعی مردم را منتفی کرد. اما این واقعیت که در پهلوی درهم کوبیده شد، شرایط را برای رزه بسوی حاکمیت مردم، بسوی استقرار جمهوری کارگران و دهقانان سخت مساعد ساخته است.

از حکومت بازگان در مقابل دست راستی ها و امپریالیسم دفاع کنیم. علیه محدودیت های بازگان بر دموکراسی - راه پیروزی مردم گسترش دموکراسی است

با درهم شکستن کادر فرماندهی دولت قدیم در اثر پیروزی قیام، حکومت بازگان جایگزین حکومت سابق شد. سلطنت پهلوی ویران شد. دار و دسته تیسارهای تحت رهبری امپریالیسم آمریکا شکسته شد. تهاجم عظیم توده ای در قیام، کلانتری ها و سازمان های شهریانی و ساواک را فتح کرد و درهم شکست. برای اجتناب از شکسته شدن کامل ارتش قدیم، نیروی های ارتش به خارج از شهرها، بسه پادگان هایشان خوانده شدند. با در نظر گرفتن ترک خدمت بسیاری از سربازان و پیوستن توده های وسیع سربازان به مردم، حتی بخشی که به پادگان ها بازگردانده شده بودند قدرت سرکوبگرانه آتی خود را از دست داده بودند.

حکومت بازگان در این شرایط بر روی دو پای متناقض سعی به ایستادگی کرد. پای اول، دستگاه دولتی قدیم که شدیدا لطمه دیده و در ب و داغون بود. پای دوم، کمیته های تحت فرماندهی آیت الله خمینی، کمیته هایی که از طریق رهبری مساجد هماهنگ می گردند.

حزب کارگران سوسیالیست به همه مردم زحمتکش ایران ایران اعلام می کند که باید از این حکومت در مقابل توطئه های امپریالیسم، بقایای نیروهای دست راستی که حتی يك روز هم دست از توطئه چینی برای استقرار مجدد سلطنت پهلوی نخواهند کشید، دفاع کرد.

کارگر و زحمتکش ایرانی نیاز به دفاع از این حکومت را در مقابل امپریالیست ها، و نیروهای دست راستی بسا پوست و گوشت خود حس می کند. چرا؟ فهم صحیح این مطلب بر کلیه وظایف آتی توده مردم استوار شده و ستمدیده اثر می گذارد.

علیرغم ضربات سنگین قیام پیروز بر دستگاه دولتی سلطنت، طبقات صاحب مال در ایران هنوز محکم بر زمین

طبقاتی که برای ۵۰ سال با تبعیت از سلطنت پهلوی دسترنج کارگران و زحمتکشان کشور را جباول کرده و شسروت اندوختند، موضع اقتصادی خود را از دست نداده اند.

این طبقات به نفوذ امپریالیسم در ایران نیازمند هستند. به دار و دسته تیسارهای ارتشی و قوای نظامی سرکوبگر محتاجند. به قوای پلیس و زاندا بر مری که فقط و فقط برای حفاظت از مالکیت اینان آفریده شده، نیاز دارند. از نقطه نظر اینان بپاخاستن توده مردم برای دخالت در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، برای تحیین سرنوشت کشور، این سومین انقلاب دوران ساز تاریخ ما، از دهائسی است هولناک که باید سر بریده شود. پیروزی قیام نشان داد که قوای نظامی سلطنت و امپریالیسم قادر به نابود کردن انقلاب توانای توده عظیم مردم نیست. علیرغم امیال طبقات صاحب مال قیام توده پیروز شد. این طبقات امروز باید از طریق حکومت بازگان خود را بر زمین نگه دارند. اما سرمایه داری بدون زور سرمایه دار در کارخانه نمی تواند پابرجا بماند. بدون نظم و حشنتاک تیسارها در ارتش نمی تواند پابرجا بماند. اگر امروز سرمایه دار و کارفرما از کارخانه ها فراری شده اند، اگر نظم و حشنتاک تیسارها در ارتش ناپود گشته است، اگر کلانتری ها ویران شده اند، این بدان معناست که قوای سرکوبگر طبقات صاحب مال قدرت سرکوب خود را از دست داده است. حکومت بازگان بساید این نظم را برای اینان دوباره برقرار کند. اینان مجبورند به حکومت بازگان متوسل شوند.

در تاریخ ما یکبار حکومت مصدق نمونه ای از اینس را نشان داد. در زمان نخست وزیری مصدق، سلطنت برای حفظ نظم در ارتش، در کارخانه ها، و حفظ قوای پلیس به دکتر مصدق نیازمند بود.

حکومت مصدق دموکراسی را محدود کرد. نشان داد که قادر نیست در مقابل نیروهای ارتجایی، سلطنت و امپریالیسم مقاومت کند. کودتای ۲۸ مرداد پیروز شد. امروز اوضاع مثل آن دوران نیست. بسیار متفاوت است و قیام متبهرانه، آرایش حاکمین را درهم کوبیده و سلطنت پهلوی را سرنگون کرده است. معینا می بینیم که حکومت بازگان دموکراسی را محدود می کند. از این طریق قوای سرکوبگر دولت قدیم که عمیقاً زخم برداشته است دوران مداوا را سپری کرده، قوای سرکوبی خود را بدست می آورد و آن نظمی که سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار بدان محتاج هستند، باز خواهد گشت. آنوقت آنان نصیری های خود را پیدا خواهند کرد و قوای دست راستی کارگر و زحمتکش ایرانی را بخون خواهند کشید.

در نتیجه، حزب کارگران سوسیالیست از حکومت بازگان در مقابل نیروهای دست راستی و امپریالیسم دفاع می کند و عین حال هشدار می دهد.

کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران، گوش بزرنگ باشید. این حکومت می خواهد خود را مستحکم کند. طبقه مستحکم این حکومت، استحکام بخشیدن به کلیه نهاد های دولتی قدیم است.

ارتش، نیروهای هوائی و زمینی و دریائی، اولین جانی است که حکومت درصدد استحکام بخشیدن بیان است. قریباً همافران و سربازان نیروهای مختلف ارتش برای دموکراسی در ارتش، قریباً ای است که همه کارگران و زحمتکشان ایران باید از آن حمایت کنند. اگر دموکراسی در ارتش از بیسن بیود، اگر فرماندهان دوباره منصوب گردند، سازمان ارتش که فقط می تواند مردم را سرکوب کند، تجدید حیات خواهد کرد.

بازنشسته کردن ارتشده ها، سپهبد ها، و برخی از سرلشگرها فقط و فقط يك مطلب را نشان می دهد: به عدالت رساندن مسیبین ۲۵ سال تورور، همین امروز از طرف بازگان محدود گشته است.

بازنشسته کردن این سپهبد ها و تیسارها، ارتش را مرد حق نخواهد کرد. قراموش نکیم که سپهبد نصیری که تیرباران شد، زمانی که مردم را به گیوتین ۲۸ مرداد سیرد، سرهنگی بیش نبود. تا زمانی که درجه بندی در ارتش وجود دارد و نظم و حشنتاک ارتش برقرار است، ارتش هیچ وقت مردمی نخواهد بود. چنان ارتشی همواره علیه کارگران و زحمتکشان خون بها خواهد کرد.

حکومت بازگان همه سعی خود را بکار خواهد برد تا پایه خود را به طرف راست گسترش دهد. در جهت باقیمانده تیسارها، افسران ناشناس، و سرمایه داران بزرگ. امروز انقلاب ایران با دو مسیر متضاد روبهوست. مسیر بازگان و مسیر کارگران و زحمتکشان.

مسیر بازگان، مسیر التیام بخشیدن به زخم های دستگاههای سرکوبگر همان دولت قدیم است. مسیر محدود کردن آزادی فکر و اندیشه و بیان است. مسیر راندن کارگران و زحمتکشان به گودال اطاعت و فرمانبرداری و مسیر جلوگیری از احقاق خواست هایی است که مردم زحمتکش ما برای آن خون داده اند.

دموکراسی است. گسترش آزادی در ارتش، گسترش آزادی در کارخانه ها و مراکز صنعتی، گسترش سازمانهای مردم زحمتکش ایران. اینست مسیر حصول آزادی و به زبانه دان فرستادن بقایای کاخ های حکومت خونین سلطنت و امپریالیسم آمریکا.

برنامه انتقالی، سند بنیادی بین الملل چهارم، چقدر خوب برخورد. کارگران و فعالین انقلابی پیشرو را در این زمین جمع بندی می کند:

بین الملل چهارم کذابان و شهادان و آموزگاران ناخوانده اخلاق را از صحنه خارج می کند. در جامعه ای که بر اساس استثمار بنا شده، غالبترین اخلاق همانا انقلاب اجتماعی است. کلیه آن شیوه هایی خوب هستند که آگاهی طبقاتی کارگران را بالا ببرند، در آنان نسبت به نیروهایشان اعتماد بوجود آورند و آمادگی آنان را برای فداکاری در راه مبارزه تقویت بکنند. شیوه هایی غیرمجاز هستند که در ستمزدگان نسبت به ستمگران احساس ترس و اطاعت را کشت کنند. روحیه عصیان و خشم را خرد کنند. و یا بجای اراده توده ها اراده رهبران را بگذارند. بجای ایمان - اجبار را. بجای تجزیه و تحلیل واقعیت، عوام قریبی و دغسل را بگذارند.

حکومت بازگان بدنبال ایجاد ترس و وحشت و اطاعت در میان مردم ستم دیده و کارگران است. می گوید دیگر باید روحیه عصیان و خشم از بین برود. اراده خود را جایگزین اراده توده ها کرده است. بجای ایمانی که در توده به خودش باور شد و سلطنت پهلوی را ساقط کرد، اجبار سرمایه داران را می خواهد جایگزین کند.

کارگران کمیته های خود را در کارخانجات و مراکز صنعتی تشکیل دهید. سرایان، در همه قوای ارتشی کمیته های خود را بوجود آورید.

سندیکای کارگری، کنترل بر تولید، آزادی بیسان و احزاب در کارخانه ها، انتخاب فرماندهان ارتشی، آزادی بیان، تجمع و تفکر در میان سرایان، تنها قدم برای تحکیم بنیاد دموکراسی در ایران است.

در جریان پیروزی قیام ۲۱-۲۲ بهمن، در تهران مردم خود را مسلح کردند. تمام سلاحهای پادگان ها، همینطور که این پادگان ها بدست مردم می افتاد، بین داوطلبان بخش شد. مسلح شدن مردم در برخی از شهرهای دیگر و نواحی مختلف کشوری نیز صورت گرفت. این رویداد، به طلب مهمی بدل شده است. مسلح شدن هزاران هزار نفر، همان هزاران هزاره که با دست خالی در مقابل قسوی سرکوبگر سلطنت مبارزه می کردند، در این شرایط که ارتش شکسته و کلانتری ها خرد شده است، در حفظ و گسترش دموکراسی نقش اساسی ایفا می کنند، و قدرت سرکوبگر هر حکومتی را که از بالا تعیین شده باشد، محدود می سازد. در نتیجه، در عین حال که آزادی بیان از تلویزیون و رادیو رخت بر بسته است، سرکوبی آزادی بیان و تجمع بطور کلی در جامعه، هنوز بدون قید و شرط نیست. بدین معنا که هنوز حکومت بازگان قادر نیست که بر هر دهنی چفت و بند لازم را بزند.

توده عظیم شکستن سلطنت را بدرستی نتیجه مبارزه خود میدانند. بدرستی پیروزی بدست آمده را از آن خود می شمارند. توده نسبت به هرگونه عدم تساوی در حقوق و آزادی ها حساس است. به هرگونه حکومت پلیسی حساس است. در این چارچوب است که خواست حکومت بازگان در سرکوبی حقوق دموکراتیک نیروهای سیاسی مختلف، محدود گشته است.

حکومت بازگان سانسور را از تلویزیون و رادیو آغاز کرده است. حملات خود را در تمام این جوانب متوجه زنان و حذف زنان از بسیاری از برنامه های تلویزیونی کرده است. آهسته و بدون سروصدا به آزادی پنجه می اندازد. کارگران و زحمتکشان، همافران و سرایان باید در گسترش آزادی کوشا باشیم.

بازگان بدنبال متحد کردن نیروهای ازم گسیخته طبقه حاکم است، بدون ائتلاف وقت یکی پس از دیگری با انتصاب وزیر و معاون جدید برای وزارتخانه هایی که در اثر ۴ ماه اعتصاب فلج شده اند بدنبال تجدید حیات دیوانسالاری دولتی، انسجام و محکم کردن دستگاه دولتی است. ارتش مهمترین مهره دستگاه دولتی است. بازگان همه انتصاب هایش را از ارتش آغاز کرد.

ما کارگران و زحمتکشان، جوانان و سرایان نیز باید بدنبال اتحاد قدرت خویش باشیم. پنج ماه اعتصابی انقلابی و تظاهرات میلیونی علیه سلطنت پهلوی، این واقعیت را یکبار نشان داد. دار و ندار شاه به ارتش خلاصه شده بود. شاه به ارتش دستور میداد و نیروهایش را متمرکز و هماهنگ میکرد. توده عظیم مردم، در مقابل همه چیز داشتند، اما متمرکز و هماهنگی نداشتند. ۲۵ سال ترسور پهلوی این امکان را از توده عظیم سلب کرده بود. عدم وجود نیروهای سیاسی که با دموکراسی اصیل در ایران عهد بسته

باشند، جلوی امکان آنرا میگرفت. اما پیروزی قیام وضع را یکسره تغییر داده است.

امروز ما کارگران و زحمتکشان با اطمینان بخود جلو میرویم. اتحاد ما از همیشه گسترده تر است و باید خود را متجلی کند. برنامه بازگان جلوگیری از اتحاد کارگران، زحمتکشان، جوانان و سرایان، در یک کلام توده مردم ستم دیده است. آقای بازگان می خواهد دولت ترک برداشته قدیم را بدون شاه برگرداند. کارگر، زحمتکش، سرساز و جوانان مطیع و فرمانبردار مستحکم کند. نتیجه این آزادی نخواهد بود. بی دلیل نیست که هر قدم حکومت آقای بازگان در این جهت، از تلویزیون گرفته تا کف کارخانه ها یا لغو آزادی و تحمیل اجبار صورت میگیرد. سالی که نکوست از بهارش بیدار است، در مقابل این برنامه، اتحاد کارگران در هر کارخانه، در هر مرکز صنعتی، اتحاد جوانان در دبیرستانها و دانشگاه ها، اتحاد سرایان برای گسترش دموکراسی لازم است.

شعار کمیته های کارگران، شعار مرکزی کلیه کارگران ایران است. این شعار را بطوری خستگی ناپذیر باید بطور دائم تبلیغ کنیم. با پیروزی قیام، مبارزه سرایان برای دموکراسی در ارتش جهشی بلند برداشته است. مبارزه همافران برای دموکراسی در ارتش نمونه پازری از ایمن واقعیت است. ایجاد کمیته های سرایان در همه قسوی ارتشی قدم اساسی را برای کسب و حفظ دموکراسی در ارتش فراهم می کند.

امروز همگی کارگران در سراسر کشور با این احساس بر سرکار باز می گردند که حاکمیت خود را بر کارخانه ها مستقر ساخته اند. تشکیل کمیته های کارگران در هر محل کار قدمی اساسی است. در دوره گذشته، کمیته های اعتصابی که بوجود آمد بخاطر اینکه نمایندگان کارگران را به تناسب نیرو هایشان در بر نمی گرفت، از طرف کارمندان و مهندسیین غضب گردیدند. به صحبت اینان دایر بر اینکه که ما به اندازه عقل کارگران بدانان نماینده دادیم باید یکسره خاتمه دهیم. باید کمیته های کارگری خود را متشکل کنیم. قدرت و عقل واقعی این جامعه را نشان دهیم. باید کمیته های کارگری بوجود آیند تا به تمام مسائل کارگران از سرعت کار گرفته تا کنترل کامل بر تولید، از تعیین حقوق و دستمزد گرفته تا تشکیل سندیکای کارگری تصمیم بگیرند. کمیته هایی که بطور دموکراتیک نمایندگان کارگران در آن انتخاب شده اند و از دموکراسی در محیط کار دفاع می کنند.

و اما دموکراسی در این کمیته ها، باید در مقابل نیروهایی که تحت لوای اسلام و یا جمهوری اسلامی جلوی آزادی بیان را در مراکز کار می گیرند پاسخ داد. باید برای کارگران مسلمان توضیح داد که چرا اتحاد کارگران نباید بر اساس خطوط اعتقادات مذهبی و یا سیاسی محدود و متفرق گردد. باید صورانه توضیح داد که چرا تحت عنوان اسلام، آنانی که آگاهانه و یا ناآگاهانه جلوی آزادی بیان را میگیرند، ابد ا خدمت به اسلام را در نظر نداشته، در حقیقت بازگشت کلیه کارگران را به بردگی و اطاعت زمینه چینی می کنند.

همینطور در مورد سرایان، همینطور در سازمان های جوانان و دانشجویان، امروز دموکراسی در سراسر کشور مطلب بسیار پراهمیتی را تشکیل می دهد. به پیشنهاد آقای بازگان توجه کنید. همه پرسی در باره سلطنت و یا جمهوری اسلامی، اینست مفهوم حکومت آقای بازگان از دموکراسی. ۲۴ میلیون جمعیت از طریق این همه پرسی دست و پایشان بسته می شود و همه فقط می توانند بگویند که آقای بازگان چه به حقوق آنان فرو کند. سلطنت یا جمهوری اسلامی؟ اینست نمونه ای از محدود کردن دموکراسی. تمام مسائل کشور از حکومت توپن گرفته تا هر مسئله دیگر باید با تشکیل فوری مجلس مؤسسان مورد بحث همه جانبه نمایندگان واقعی مردم قرار بگیرد. و یا آقای قطب زاده که بدنبال غضب برنامه های تلویزیون است، ایشان می گوید نماینده اکثریت است و فکر می کند که حق بیان و انتقاد برای اقلیت امتیاز است. در حقیقت اگر حق انتقاد و بیان برای اقلیت وجود نداشته باشد، دموکراسی حرفی بیش نیست.

لکن با تشکیل کمیته های کارگران، کمیته هایی که فقط در مقابل خود کارگران مشول است و اراده آنان را منعکس می کند و بدنبال احقاقی خواست های ما مبارزه می کند، اساسی در گسترش دموکراسی در سراسر کشور برداشته خواهد شد.

راه پیشرفت انقلاب، راه بوجود آوردن کمیته های کارگران، سرایان، تشکل هرچه بیشتر سازمان های مبارزه است که اراده کارگر و زحمتکش را منعکس می کند. طبقه حصول این کمیته ها مبارزه بگیر و اصولی علیه اجحافات و برجسب و گسترش بیان و آزادی در میان مردم ستم دیده ایران است.

مردم ستم دیده سلطنت پهلوی را سرنگون کرده اند که به حاکمیت خود دست یابند. بدون تردید و تاخیر، مجلس مؤسسانی که در بر گیرنده کلیه نیروهای سیاسی کشور است،

با شرکت سرایان و جوانان بالای ۱۶ سال در انتخابات، باید تشکیل گردد.

آقای بازگان قبل از قیام وعده می داد. امروز روشن است که این از آن است. امروز به فردا و فردا به پس فردا عین حال حمله به دموکراسی از همه جبهه کف کارخانه ها آغاز گشته است. بجای، اگر آقای بازگان قصد عمل به وعده مجد در سر داشته باشد، مجلس مؤسسان، می خواهد تشکیل دهد.

هیچ نیروی قادر به تضمین استقرار ایران و تشکیل مجلس مؤسسان نیست، مبارزه کارگران، سرایان، روستائیان، کمیته های کارگری و سرایان قدم اول است. می توانند و باید بدور خواست های مت سرایان بوجود آیند.

هستند کارگران، سرایان و زحمتکش آقای بازگان و توانائی های این حکومت اساسی جامعه ایران، توهم دارند. در میلیون هاست. پاسخ ما به این براد زحمتکش تجربه بیشتر است. ما مطمئنیم مطلب را نشان خواهد داد. نشان خ غیر از اراده مستقیم مردم، یعنی تا بغیر از اتحاد خلل ناپذیر کارگران و زج با برادران سرایان، هیچ نیروی قادر به ایران نخواهد بود.

هیچ سیاستمدار سرمایه داری و سرمایه داری قادر به حل مسائل مردم نخواهد بود. کمیته که به مبارز دموکراسی در قسوی ارتش بدون شک می دهد و دست حمایت بسوی آن دراز مبارزات روستائیان برای تصاحب زمین ها کمر شکن، تصاحب ماشین آلات زمیندار مثبت می دهد. کیست که به آزادی همه سازمان ها و احزاب، پاسخ مثبت می دهد خواست آزادی آذربایجان، کردستان، تردید پاسخ مثبت می دهد و دست همه دیده ترین مردم ایران، کردها، آذربایران می کند؟ توده عظیم کارگران هست با حمایت از کلیه مبارزات، از کلیه خواست اجتماعی و اقتصادی گسترش می دهند. هائی که قادر نیستند به این حقوق حق گویند، تفرقه در میان کارگران است. کارگران است. شکستن روحیه دلبر و غیو پاسخ کارگران، قدرتی که با اعتصاب ها علیه سلطنت به سکون کشید، قدرتی که را میلیونی کرد، حرکت بسوی ایجاد کمی سیاستمداران سرمایه داری ایران، این جامعه امکان تصمیم گیری از پائین، زندگی اقتصادی در ایران زندگی تمام دست کارگران و زحمتکشان می گردد. و اقتصاد جامعه از پائین حرکت می کند و از پائین صورت می گیرد. اینکه کنترل امور اقتصاد و سیاسی نباید از پائین صورت گیرد، ابد ا بحث نیست که سیاستمداران سرمایه داری عرضه می کنند. برده داران به بردگان همیشه اینطور بود. زمان سیاستمداران سرمایه داری می گویند که روند دمو پائین امکان پذیر نیست. ایشان بخوبی می دانند روندی است که به سود جویی مفتخوران خاتمه خواهد می دانند که جامعه در جهت منافع اکثریت نظم تو یافت. اکثریت این جامعه، اکثریت عظیم را کس

زحمتکشان تشکیل می دهد. کمیته های این جمعیت عظیم، کمیته های مبارزه، تصمیم گیری دموکراتیک این کمیته هاست که به ایران آزادی خواهد آورد.

امروز سرایان و همافران، توده عظیم تحت خدمت که تا قبل از قیام زیر میهمان امرا و نیکسارها بودند، حق آزادی در نیروی مسلح، حق انتخاب رهبران ارتشی، حق شرکت در امور اجتماعی و حق رأی را طلب می کنند. امروز همگی کارگران می گویند که وزیر کار باید یک کارگر باشد. می گویند که کارگران باید تولید را کنترل کنند. این بخودی خود نشان می دهد که کنترل جامعه از طرف کارگران و زحمتکشان نه تنها امکان پذیر است، بلکه برای حفظ و گسترش دستاورد های انقلاب لازم و ضروری است. این آگاهی نویسن در مردم کارگر و زحمتکش نشان می دهد که راه انقلاب راه تعویض وزرا نیست. راه بازتخته کردن سپیدها نیست. راه تعیین امرای جدید از بالا نیست. راه بازگرداندن کارفرماها در کارخانه ها نیست. راه انقلاب، راه حصول آزادی، راه خاتمه دادن به بلایای حاکمیت امپریالیسم آمریکا و سلطنت خونخوار، راه ایجاد کمیته های سرسازان

کارگران، کمیته های نواحی مسکونی است.

از طریق ایجاد شبکه ای از کمیته های کارگران، سربازان، روستائیان فقیر، کمیته های همه زحمتکشانی که با خون خود انقلاب عظیم ما را به موفقیت کنونی رسانده اند، قدرتی که با پیروزی تمام دارد بر می خیزد. منظم خواهند گشت. خواهران و برادران زحمتکش، قدرت ما در اتحاد ماست، قدرت ما در تشکیل ماست، قدرت ما در مبارزه پیگیر بدور خواست های ماست.

راه گسترش انقلاب حاضر، راه ستارخان است. راه احیا انجمن های انقلاب مشروطه، راه دفاع از سازمان های ما، کمیته های کارگران، سربازان، روستائیان کوچک و بی چیز، یعنی راه احیا مجاهدین انقلاب مشروطه است.

به تشکیل کمیته های کارگران و سربازان مدد رسانید و یا حداقل مانع آن نشوید. دموکراسی در ایران گسترش

خواهد یافت. خانه دادن به امیراطوری عقب افتادگی، استبداد، فقر و تورم پهلوی، تضمین خواهد گشت. سرنگونی سلطنت پهلوی موقعیت برای حل مسائل مهم جامعه ما را فراهم کرده است. حل مسائل خود بخودی نخواهد بود.

باید فوراً کمیته هایی از کارگران و سربازان بوجود آوریم که راه را به همه مردم نشان دهند. کمیته هایی که از آزادی و دموکراسی برخوردارند. کمیته هایی که اتحاد کارگران، اتحاد سربازان را بدور سبایل مورد توجه کلیه کارگران و سربازان ایجاد می کنند.

همه ما موزین دولتی باید در همه سطوح انتخاب گردند.

پیش بسوی دموکراسی در نیروهای ارتش- ایجاد کمیته های سربازان.

• اتحادیه کارگری، کنترل بر تولید، اضافه دستمزد، افشای اسرار معاملاتی شرکت های امپریالیستی برای کارگران - پیش بسوی کمیته های کارگران.

• زمین به زارع زحمتکش، تصاحب کلیه وسائل کشاورزی از طریق روستائیان، لغو کلیه قروض روستائیان و طبرح و اجرای برنامه های وسیع کمک وام، تشکیل کمیته های دهقانی.

• زنده باد تمام پیروز مردم قهرمان ایران.

• هیچ حکومتی از بالا تعیین شدنی به ایسرا - آزادی نخواهد آورد.

• پیش بسوی تشکیل قوری مجلس مؤسسان.

• برقرار باد جمهوری کارگران و دهقانان.

هیئت اجرائیه حزب کارگران سوسیالیست  
اول اسفند ۱۳۵۷

در آستانه ...

جنگ، بلکه به سرنویشت خود انقلاب نیز بستگی دارد. در سال ۱۹۰۵، میلیوکف، وزیر جنگ طلب اموری خارجیه فعلی، جنگ روسیه و ژاپن را جنگی ماجراجویانه خواند و خواستار ختم قوری آن گردید. نشریات لیبرال و رادیکال نیز در آن موقع همین طرز فکر را داشتند. و همچنین قویترین سازمان های صنعتی، برغم مصائب کمتر آن جنگ، طرفدار صلح قوری بودند. چرا وضع اینطور بود؟ برای اینکه آنان انتظار داشتند اصلاحات داخلی انجام بگیرد. امید آنان بر این بود که با استقرار یک نظام مشروطه، و کنترل بودجه و دخل و خرج دولت از طریق پارلمان، و نیز با داشتن یک نظام آموزشی بهتر، و بخصوص با افزایش مالکیت زمین روستائیان، یاری با تمام اینها، مردم به رفاه بیشتری دست پیدا کنند و برای صنایع روسیه بازار داخلی وسیعی ایجاد گردد. این درست است که پیروزی روسیه حتی در آن روزها، یعنی دوازده سال پیش، برای غصب سرزمینهای

نشسته اند. ادامه جنگ تا پیروزی؟ البته! اینان همان کسانی هستند که کشور را بخاطر منافع سرمایه به جنگ کشاندند. کل مخالفت اینان یا تزاریسم نیز ناشی از اشتباهی امپریالیستی سیری ناپذیرشان بود. تا زمانیکه قدرت در دست داورده است، نیکلای دوم بود. منافع سلطنت و ارتجاع اشراف بر امور خارجی روسیه تسلط داشت. و به همین دلیل بود که برلین و وین امیدوار بودند بیمن صلح جداگانه ای با روسیه منعقد کنند. اینک، منافع خالص امپریالیستی جایگزین منافع تزاریسم گردید. بر روی پرچم حکومت موقت، امپریالیسم خالص حک شده است. حکومت تزار برچیده شد. اینرا امثال میلیوکف و گوجکف به مردم می گویند. حالا شما باید خونتان را در راه منافع مشترک کل ملت ببزید. منظور امپریالیست ها از این منافع عبارتست از غصب مجدد لهستان و نیز تسخیر گلیشیا، قسطنطنیه، ارمنستان و ایران. انتقال از امپریالیسمی که بر سلطنت و اشراف تکیسه

ایران، ترکیه و چین در آسیا بود، دومین انقلاب روسیه بمنزله آغاز مبارزه نیرومندی برای انقلاب اجتماعی در اروپا است. تنها این مبارزه است که برای جهان غرقه در خون امروز، صلحی واقعی به ارمغان خواهد آورد. خیر، پرولتاریای روسیه بخود اجازه نخواهد داد که به ارابه امپریالیستی میلیوکف افسار شود. پرچم سوسیال دموکراسی اکنون، بیش از هر زمان دیگر، با شعارهای تابنده، انترناسیونالیستی خدشه ناپذیر می درخشد: برچید باد بساط غارتگران امپریالیست زنده باد حکومت انقلابی کارگران زنده باد صلح و برادری تمام ملت ها

توضیحات

- ۱- پتروگراد: نام سابق شهر لنیننگراد، که تا قبل از شروع جنگ جهانی اول پترزبورگ نامیده می شد و پس از آن به پتروگراد تغییر نام داد. پتروگراد در سال ۱۹۲۴، لنیننگراد نامگذاری شد.
- ۲- جنگ روسیه و ژاپن: این جنگ در سال ۱۹۰۴ آغاز شد و در سال ۱۹۰۵ اولین انقلاب روسیه را بدنبال آورد. این جنگ در تابستان ۱۹۰۵ با شکست روسیه تسزاری خاتمه یافت.
- ۳- قزاق ها: دسته سواره نظام روسی که تحت سلطنت تزار زمین های زراعتی در مناطق مخصوصی به آنان واگذار شده بود و در ازای خدمت در سواره نظام و بخصوص سرکوبی طغیان های داخلی از مزایای مخصوصی برخوردار بودند و قشر صاحب امتیازی را تشکیل می دادند.
- ۴- ریچوند بینوگر: رئیس جمهور فرانسه از ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ و نخست وزیر آن کشور در سال های ۱۹۱۲، ۱۹۲۲-۱۹۲۳، ۱۹۲۴-۲۹.
- ۵- راسیبوتین: کشیش بی سوادى از اهالی سبیره که در امور مذهبی و سیاسی بر تزار و تزارینا (ملکه) نفوذ بسیاری داشت.
- ۶- نیکلای دوم: آخرین تزار روسیه که در سال ۱۹۱۸ به هنگام جنگ داخلی اعدام شد.
- ۷- جمعیت صد سیاه: سلطنت طلبان افراطی دست راستی که دست به قتل عام یهودیان و مخالفان تزار میزدند.
- ۸- اکتری ها: حزب طرفدار سلطنت و مرکب از پیروان تزاری بزرگ تجاری، صنعتی و زمیندار.
- ۹- کرنسکی: وکیل دادگستری و از اعضا حزب سوسیال رولوسیونر که در اولین حکومت موقت پس از سرنگونی تزار، سمت وزیر عدلیه را بعهده داشت و بعد از ژوئیه ۱۹۱۷ تا اکتبر همان سال نخست وزیر حکومت موقت بود.
- ۱۰- هوهن زولرن و هابسبورگ: اولی نام خاندان سلطنتی آلمان و دومی خاندان سلطنتی اتریش است که هر دو پس از شکست آلمان در سال ۱۹۱۸ و انقلاب آن کشور سرنگون شدند.
- ۱۱- جناح مترقی در دوما: بلوکی از نمایندگان لیبرال و محافظه گار دوما (پارلمان روسیه) در سال ۱۹۱۵.
- ۱۲- میلیوکف: پرفسور تاریخ و رهبر حزب کادت (حزب اصلی پیروان تزاری روسیه)، وزیر امور خارجه در اولین حکومت پس از سرنگونی تزار، از دشمنان سرسخت بلشویک ها.
- ۱۳- سوسیال وطن پرستان: مقصود سوسیالیست هایی هستند که در جنگ جهانی اول تحت لوای وطن پرستی از جنگ حمایت می کردند.
- ۱۴- دوما ۳ ژوئن: مقصود پارلمان روسیه است که پس از روی کار آمدن استولیهین بعنوان نخست وزیر جدید در ۳ ژوئن ۱۹۰۷، به یک مجلس کاملاً فرمایشی تزار تبدیل شد. پس از این دوره بود که اکثریت کشور از حق رای دادن محروم شدند و سرکوبی شدید احزاب انقلابی شروع شد.
- ۱۵- گوجکف: سرمایه دار معروف مسکو و رهبر اکثریتی هسا. گوجکف در حکومت موقت وزیر جنگ بود.
- ۱۶- رومانوف: نام خاندان سلطنتی تزار.
- ۱۷- مایکل الکساندر رومیچ: برادر نیکلای دوم آخرین تزار روس.



شعلی به دیگران آمادگی داشت، لیکن امید پیروزی براین بود که العاقباً روابط خودالی در روستا، بیش از غصب منجوری یا گره، به ایجاد یک بازار نیرومند ترکمک کند.

اما دموکراتیک کردن کشور و آزاد ساختن روستائیان، در عمل، آهنگی بسیار کند بخود گرفت. نه تزار، نه اشراف، و نه پیروکراسی، هیچکدام حاضر به ازدست دادن هیچیک از امتیازات خود نبودند. مصلحت های قهرمانی کافی نبود تا آنان دستگاه دولت و املاک ارضی خویش را رها کنند، برای بنکار، تهاجم انقلابی توده ها لازم بود. و اینرا پیروان روسیه خواست. طغیان های ارضی روستائیان، مبارزات روزافزون پرولتاریا، و گسترش قیام های ارتش، سبب شد که پیروان تزاری لبرال به اردوگاه پیروکراسی تزار و ارتجاع اشراف پناه ببرد. کودتای ۳ ژوئن ۱۹۰۷، اتحاد اینان را مهر و موم کرد و از داخل این کودتا بود که دو ماهی سوم و چهارم برخواستند.

زمینی به روستائیان داده نشد. تغییر نظام اداری فقط در اسم صورت گرفت، و نه در محتوی. توسعه بازار که فرار بود طبق الگوی آمریکائی، بازاری باشد مرکب از کشاورزان برهنه، عملی نگردید. طبقات سرمایه دار با رژیم ۳ ژوئن از در آشتی درآمدند، و توجه شان به غصب بازارهای خارجی جلب شد. سپس، امپریالیسم روسیه دوره جدیدی را آغاز کرد. توأم با یک سیستم آشفته مالی و نظامی، همراه با اشتباهاتی سیری ناپذیر، گوجکف، وزیر جنگ فعلی، قبلاً عضو کمیته دفاع ملی بود و در خدمت به تکمیل ارتش و نیروی دریایی فعالیت می کرد. میلیوکف، وزیر امور خارجه فعلی، نقشه ای برای فتوحات جهانی طرح ریخته بود که در ضمن مغزهای اروپائی اش به دفاع از آن می پرداخت. می بینیم که مسئولیت جنگ کنونی، تا حدود زیادی، به گردن امپریالیسم روسیه و اکثریتی ها و کادت هائی است که نمایندگی آنرا بعهده دارند.

گوجکف و میلیوکف، از برکت هسان انقلابی که آنرا می خواستند و علیه آن جنگیده بودند، امروز بر سندان قدرت

بخاطر بسته شدن کارخانهها و پرداخت کلیه طلب کارگران توسط کارفرمایان، برآورده خواهد کرد. اما وقتی کارگران از او سؤال کردند: چه موقعی؟ گفت، نمی دانم باید با مشاورین صحبت کنم. اما کارگران دست بردار نبودند. باز هم سؤال کردند کارگران اخراجی چه وقت می توانند به سر کار برگردند؟ فروهر باز هم قول می دهد: سعی می کنم در کوتاهترین مدت! اما کارفرماها رفته اند. مواد اولیه موجود نیست. من قول نمی توانم بدهم. سعی می کنم. باز کارگران سؤال می کنند: حقوق کی پرداخت می شود؟ ما گشته هستیم. فروهر می گوید: یکی از مشاورینم پاسخ خواهد داد.

کارگران درباره خواست های دیگر نیز سؤالات متعددی می کنند: قانون کار برفع کارفرما بوده باید عوض شود. آیا بنظر شما شورای کارگری نباید در تدوین قانون کار دخالت داشته باشد؟ جواب فروهر: در قانون کار باید تجدید نظر شود و غیر از متخصصین باید نماینده کارگران شرکت داشته باشند.

کارگران در مورد دخالت کمیته امام خمینی می پرسند و اینکه فروهر اعلام کند که نباید نمایندگان کمیته امام خمینی در انتخابات کارخانهها دخالت کنند. جواب فروهر: البته از وظایف آنها دخالت در کارهای خاص وزارتخانه نیست. من از همین امروز وارد مذاکره خواهم شد برای پایان دادن به سو تفاهات. ولی وقتی دوباره در مورد دخالت کمیته امام و دستگیری کارگران سؤال می شود فروهر می گوید: این کمیته دست من نیست و نمی توانم تضمین کنم ولی با آنها مذاکره می کنم.

سؤال دیگری می شود: چرا از رادیو و تلویزیون صدای کارگران شنیده نمی شود؟ فروهر باز به لگنت زبان می افتد و

می گوید: من مسئول راد یو تلویزیون نیستم. بجای دیگر مسئولین نمی توانم تضمین در این مورد بدهم.

و باز خواست دیگری: خانه کارگران باید دست ما باشد ما باید در آن جلسه بگذاریم. فروهر قول می دهد که جلسه آنجا گذارده شود و سالن ها در اختیار کارگران باشد ولی اداره خانه کارگران بعهد ه هیئت نمایندگی سندیکا که باید انتخاب گردد باشد.

فروهر اشاره کرد که کمیسیونی در وزارت کار برای بررسی خواست های کارگران تشکیل خواهد شد. کارگران خواستند که در این کمیسیون شرکت داشته باشند. فروهر گفت آنچه که در این کمیسیون مربوط به کار خواهد بود من نمایندگان کارگران را دخالت خواهم داد.

در مورد بخشنامهها فروهر گفت: این بخشنامهها در رابطه با وزارت کار نبوده و اگر کسی به اسم داده لغو آنرا اعلام می کنیم. کارگران خواستند که از طریق تمام رسانه های عمومی و منجمله تلویزیون این تذک ب صورت گیرد.

فروهر از کارگران می خواست که در دادن شعارها و خواست ها تند روی نکنند. ولی کارگران باز دست بردار نبودند. و بعد از رفتن فروهر معاون وزارتخانه، صدوقی، سعی می کرد در مورد مسائل حقوق و اخراج که قوه رهنخواسته بود جواب بگوید. بطوری رفع رجوع کند. می گفت، به من رجوع کنید و خواست هایتان برآورده خواهد شد. ولی کارگران بارها رجوع کردند بی نتیجه. اطمینان ندارند و می گویند: جلسه دیگری بهمین ترتیب باید تشکیل شود. صدوقی قبول می کند: هر کجا که می خواهید، هر موقع که می خواهید. کارگران قرار می گذارند روز سه شنبه ساعت چهار بعد از ظهر در خانه کارگران.

بعد از رفتن رؤسای وزارتخانه بحث ادامه پیدا می کند. یک طرفدار کمیته امام خمینی صحبت می کند و به کارگزاران

پرخاش می کند و می گوید تعدادی کمونیست اخلاخل گری می کنند و نباید گول اخلاخل گران را خورد. کارگران با کمال صبر حرف های او را گوش می کنند و بعد باو جواب می دهند و معلوم می شود که این شخص که خود را کارگر جلوه می داده در حقیقت دانشجوی سابق بوده که حالا سرپوست کارگران است. یکی از کارگران گفت: سرپوست چماقی است روی سر کارگر. و از طریق اوست که کارفرما به کارگران زور می گوید.

بالاخره يك کارگر زن از کارخانه بافندگی صحبت می کند حرف های او بشدت کارگران را تحت تأثیر قرار می دهد و همه با کف زدن های شدید از او استقبال می کنند. او گفت: من تمام روز روی ماشین کار می کنم، اما بمن روزی ۳۰ تومان حقوق می دهند، یعنی کمتر از کارگران مرد. البته کارگر مرد هم استثمار می شود. خواست ما اینست که در مقابل کار مساوی، حقوق مساوی باشد. ما اجازه حرف زدن نمی خواهند بدهند و می گویند چون ما زن هستیم لیاقت انتخاب کردن و حرف زدن و تصمیم گرفتن نداریم. فقط برای کار کردن و استثمار شدن خوب هستیم. اما ما قبول نمی کنیم. ما نماینده خود مار را باید انتخاب کنیم. ما لیاقت داریم. خواست های ما این است:

- حقوق مساوی در مقابل کار مساوی
- سه مد کودک
- يك ماه استراحت قبل و دو ماه بعد از زایمان
- کاهش سن بازنشستگی بطور کلی و برای زنان بخصوص
- حق اولاد برای هم زن و هم شوهر که در يك کارخانه کار می کنند (کارفرما می خواهد فقط این حق را بیک از زوجین بدهد)
- کارگران با اتحاد و اراده عظیمی تصمیم دارند در مورد خواست های خود مبارزه کنند و بقول یکی از آنان "ما انقلاب نکردیم که وضعمان بدتر شود، ما میخواهیم پیروز شویم"

حرارت آتش فروزان این جنبش انقلابی بود که به زنان نیز قدرت داد تا انزجار خود را از تبعیضات، اجحافات و سستی که به زنان روا می شود، با صدائی رسا بیان کنند. ولی برای رفع این تبعیضات و ظلم ها مبارزه باید ادامه یابد. برای کسب حقوق کامل و مساوی، ما زنان باید تنها بیه نیروی عظیم خود و حمایت و همبستگی برادران مبارز اتکاء

کنیم. برای دستیابی به پیروزی باید نیروی لایزال میلیون ها زن محروم ایرانی سازمان یابد. صفوف زنان مبارز متشکل و فشرده شود. همچنان که جنبش کنونی و پیروزی بدست آمده تنها با اتکاء به نیروی توده عظیم کارگران و زحمتکشان و از طریق متشکل کردن هرچه بیشتر صفوف آنها حاصل شد.

گرچه ضربات مهلك و فاطمی بر بیکره پوسیده استبداد پهلوی و کنترل امپریالیسم جهانی در ایران وارد شده است، اما هنوز تا پیروزی نهائی انقلاب، یعنی تا بازسازی جامعه بر پایه ای نوین راهی طولانی در پیش داریم. جامعه ای که در آن هیچگونه اثری از استثمار و استثمار و ستم نباشد. جامعه ای که در آن مساوات و برابری واقعی همه افراد جامعه تضمین شده باشد. برای بنای چنین جامعه ای شرکت فعال تمام ستمدیدگان، بویژه زنان این نیمه محروم جامعه، بیش از پیش لازم است.

حکومت شاه که بدست امپریالیسم آمریکا بر سر کار آمده و بر سر قدرت نگه داشته شده بود، بر پایه سرکوبی و استثمار اکثریت عظیم مردم ایران استوار بود. تحت نظام شاهنشاهی زنان نه تنها مانند مردان از کلیه حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی محروم بودند، بلکه از ابتدائی ترین حقوق انسانی، از حق تصمیم گیری در مورد ساده ترین مسائل زندگی خود و از شرکت در بسیاری از جوانب حیات اجتماعی محروم بودند. بنا بر منطق شاهنشاهی زنان لیاقت و استعداد شرکت و رهبری زندگی اجتماعی را نداشته و تنها وظیفه آنان در "خانه نشستن و زائیدن شیران نسر" خلاصه می شد.

شرکت بی سابقه میلیونها زن ایرانی در مبارزه علیه رژیم ظلم و استبداد بیرونی نشان داد که زنان ایرانی خود عامل ظلم و ستم خود را بخوبی میشناختند. این شرکت تاریخی زنان در انقلاب کنونی ما مشت محکمی بوده است بردهان دشمنان انقلاب ما یعنی قدرتهای امپریالیستی غرب که سعی میکردند رژیم شاه را "آزاد کنند". زن ایرانی و جنبش انقلابی ضد استثمار و استبداد را مخالف حقوق مساوی زنان و مخالف آزادی زن بنمایانند. زنان مبارز ایرانی با شرکت خود در جنبش نشان داده اند که آزادی خود را در گروی پیروزی انقلاب می دانند و پیروزی انقلاب در گروی شرکت زنان در آن است.

اکنون که انقلاب با سرنگونی سلطنت نخستین گام پیروزمند خود را برداشته، شکل و همبستگی زنان همچون سایر اقشار و توده های زحمتکش و تحت ستم، جهت دفاع از این دستاوردها و پیشروی در جهت احقاق تساوی حقوق زن و مرد و آزادی زن از قید قرن ها ستم لازم است. بنا بر زنان می تواند توسط این سازمانها با هم

پیروزی کنونی برای نخستین بار برای زنان ایرانی ممکن شده است که روز جهانی زنان را همصدا با خواهران مبارز خود در سراسر جهان جشن بگیرند و اتحاد خود را با زنان مبارز و بویژه زنان طبقات زحمتکش که محروم ترین و ستمدیده ترین مردم دنیا هستند محکم نمایند.

برای بزرگداشت این روز کمیته موقت تدارکاتی تشکیل شده است. شرکت در این کمیته بروی همه مبارزین علاقمند باز است. ما از کلیه مبارزین تقاضا داریم که با شرکت در این کمیته آنرا در برنامه ریزی و برگزاری هرچه وسیعتر، مبارزتر و پرشکوه تر این روز باری رسانند. ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ ایضا کنندگان:

کلیه زنان کارمند دفتر فروش هواپیمائی ملی (شعبه کالج)، چند تن کارشناس انجمن کتابداران ایران: فرح میرمعزی، نسوین حزین، مهین حافظ قرانی، مهین تقاضی (رئیس مرکز خدمات کتابداری)، چند تن از دانشجویان هنرهای تزئینی: بهفر سریع القلم، سهیلا نژاد، فاطمه حیرتی. سه تن از سباهیان شاغل: بینزه بگلوری، فریده گلکار، بتول قاضی عسگر. پروین ترابی (کارمند گمرک)، تریا حجتی (کارمند مخابرات)، کیرا کابلی (کارمند بازرسی دادگستری)، تبسم شوی (کارشناس پرستاری مائوسی)،

طاهره ابراهیم (کارمند بانک)، مهناز موسوی (شیمیت) سهیلا خیام الحسینی (کتابدار)، زینت بخشعلی زاده (مستشار نویس)، زهره عظیمیا (کارمند انرژی اتن ایران)، زهرا دزم شهبای (کارمند کتابخانه)، مهین نخچه (مربی کسودک ناحیه ۱۹)، حورا فرخ تارا (مربی بهداشت مدارس ناحیه ۱۲)، مهناز سریع القلم (دبیر روانشناسی دبیرستان های سفهان)، نسوین موحد دولیخانی (معلم ناحیه ۷)، خانه شیوزاریانی (معلم ناحیه ۱۲).

دانشجو و دانش آموز: سعیده سجادی، آمنه ابراهیم، ناهید موحد، ملیحه نوری، پروانه نجاتی، فریبا موسی.

تعدادی از اعضا هیئت علمی دانشگاه پارس: شیلا دولت آبادی، زهرا نجم آبادی، طاهره اعلم، م. پویا پروانه قزل باغ، سهیلا شققت، الهه شهریاری.

گروهی از کارکنان سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران: فلوریا سمیعی، فریده حیدری، شهره ظفری، پوران و خدیجه طاهرپور، شهبان خدائی، سهیلا محدودی، هما عباسی تریا امانپور، سعید بنی هاشمی، نازلی توانا، اختر فریدی طیبه جوانمردی، حوا سمیعی، عاطفه پاک لطینت، فریبا قرهی.

## آقای بنی صدر و بحث با سوسیالیست ها!

آقای بنی صدر از اینگونه رو در روشی علنی و موازنه و مقابله عقاید دوری خواهد جست. لذا این دعوت عام را از آقای بنی صدر می کنیم که ایشان دچار سوء تفاهم و عدم پاسخ به اعلام آمادگی خود نشوند. این نکته آخر نیز از اهمیت فراوان برخوردار است. جای بحث، تبادل نظر و مقابله عقاید در مقابل جمعیت کارگران، زحمتکشان و جوانان است. در مقابل کارگران صنعت نفت، در دانشگاه ها، در هر جلسه علنی که بمنظور این بحث و مجادله سیاسی و نظری برگزار گردد. ما آمادگی خود را اعلام می کنیم. امیدواریم که آقای بنی صدر قدم بردارند، ساعت و روز این بحث را تعیین کنند تا بر سر مسائل و امور کشور، مسائل کنونی انقلاب حاضر را در جلسات علنی یا ایشان بحث کنیم.

بابک زهرانی

اخیرا آقای بنی صدر در جلسات متعدد اعلام داشته اند که حاضرند با کلیه سازمان های سیاسی بر سر مسائل کشور بحث کنند. این مطلب در روزنامه های صبح و عصر تهران نیز منعکس گردیده است. ما از این دعوت استقبال می کنیم. زیرا معتقدیم که دخالت و نظارت بر امور کشور حق مسلم آحاد ملت است. و تنها بحث بر سر کلیه مطالب و مسائل کشور در حضور خود مردم و در ملا عام است که می توان از سوء دخالت رژیم های حکومتی جلوگیری کرد و به اصل حاکمیت مردم جامعه عمل پوشاند. بدیهی است که هرگونه کوششی در راه محدود کردن بحث و به انحصار در آوردن رسانه های گروهی به يك نظریه این اصل حاکمیت مردم را نقض می کند. لازم به تذکر است که از آنجا که سوسیالیسم انقلابی تنها برنامه حل مسائل ناشی از استیلا امپریالیسم و سلطنت پهلوی را در ایران عرضه می کند،

# آموزش سوسیالیستی

آموزش سوسیالیستی ستون جدیدی است که از ایسن شماره آغاز می‌گردد.

امروز بیروزی قیام انقلابی مردم ایران، چشم انداز دموکراسی و سوسیالیسم را برای هزاران مبارز انقلابی گشوده است. در عین حال، خفقان سیاسی دوران طولانی تسرور پهلوی، مداومت رادیکالیسم ایران را از هم دیده، بهترین آداب و سنن آنرا تیره و تار کرده است. امروز، دانشجویان و کارگرانی طلبه دار جنبش مارکسیسم انقلابی هستند که ابزار تفکر مارکسیستی خود را بر حسب اتفاق، در شرایط فقدان آزادی برای مطالعه، آموختن، بحث و درک آموخته‌های خود، کسب کرده‌اند. خفقان سیاسی و خشونت پلیسی هیچ منعی برای تعلیم مارکسیسم انقلابی اصیل در ایران بجا نگذاشته است. نتیجتاً مبارزین انقلابی، حتی پیش از آنکه از لحاظ نظری و عملی تجربه لازم را بدست آورده باشند، خود را در صفا اول مبارزه می‌یابند و بسا مسئولیت‌های عظیم روپرو می‌گردند.

بیروزی انقلاب ایران مستلزم مداومت انقلابی است. مارکسیسم انقلابی، میراث جنبش‌های انقلابی نسل‌های پیشین، تجربیات و درس‌های عظیم انقلابات گذشته و مبارزات طبقاتی را در عرصه جهانی، محفوظ کرده است. قدرت مارکسیسم، نهفته در قدرت اتحاد نظریه علمی بسا مبارزه انقلابی است. تعلیم پیش‌تازان مارکسیسم انقلابی، در این دو مجرا جریان می‌یابد. مطالعه مارکسیسم خارج از گود مبارزه انقلابی ممکن است کرم کتاب پرورش دهد اما قادر به پرورش انقلابیون واقعی نیست. شرکت در مبارزه انقلابی و

در این شماره نشریه، در قسمت دیگری بیانیه هیأت اجراییه حزب کارگران سوسیالیست را درباره اتحاد کلیه رزمندگان بین الملل چهارم در ایران بجا برساند ایم. در شماره اول این نشریه نیز اعلامیه دبیرخانه بین الملل چهارم را مبنی بر ضرورت همبستگی بین المللی با مبارزات توده‌های زحمتکش ایران بجا برساند بودیم. بین الملل چهارم از همان آغاز برخاست مبارزات مردم ایران بدون لحظه‌ای تردید و درنگ صدای خود را در دفاع از این مبارزات بلند کرد و در زمانیکه جانبداران بوروکراسی شوروی در اروپای شرقی شاه ایران را بدکترای حقوق مخترع می‌ساختند و صدر بوروکراسی پکن حمایت بی‌شرمانه خود را از این مظهر وحشی‌گری اعلام می‌داشت احزاب این بین الملل در تمام نقاط جهان در تلاش ساختن همبستگی بین المللی در دفاع از جنبش مردم مسابودند. ولی از آنجا که تداوم سنن انقلابی سالیان دراز در سطح جهانی ضعیف و یا قطع شده بود، مثلاً در ایران پس از تهور رضاخان علیه حزب کمونیست ایران و در بسیاری نقاط دیگر در اثر مجموعه تهور سرمایه داران و حکومتهاچ فاشیستی و بوروکراسی استالینیستی، بی شک بسیاری از مبارزین ایرانی با این بین الملل آشنائی طولانی ندارند. اکنون که با اتحاد نیروهای طرفدار بین الملل چهارم در ایران، حزب کارگران سوسیالیست، در پیوند با این حزب جهانی در ایران بنیاد گذاشته شده بسیار بجاست که ستون آموزش سوسیالیستی را به جواب به این سؤال که بین الملل چهارم چیست اختصاص دهیم.

اساس مصادف با چهلین سالگرد پایه‌گذاری بین الملل چهارم توسط لئون تروتسکی سازمانده قیام مسلحانه اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و پایه گذار ارتش سرخ است. بین الملل چهارم حزب جهانی کارگری است که در بیش از شصت کشور دارای بخش است. این حزب سنت‌های انقلابی جنبش کارگری را تا به امروز حفظ کرده و به باری تجربه آگاه ترین پیشگامان این جنبش به این سنن افزوده است. پایه اساسی شکل بین الملل چهارم برنامه انتقالی برای انقلاب سوسیالیستی است که توسط تروتسکی نوشته شده و به زبان فارسی نیز ترجمه گشته است.

جنبش انقلابی کارگری از نخستین ایام پیدایش خود به جنبه جهانی انقلاب و همبستگی بین المللی پرولتری تأکید داشته است. شعار مشهور بیانیه کمونیست "کارگران همه کشورها متحد شوید" بیان این واقعیت است. جنبه جهانی مبارزه کارگری از این واقعیت برخاسته که سرمایه‌داری درگستره بین المللی به استثمار نیروی کار مشغول است و با صدور کالا و سرمایه خود، مجموعه بازار جهانی را ایجاد کرده و به هر گوشه رخته کرده است. از این رو مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه نیز خصلت بین المللی بخود گرفته است. از همان نخستین سالهای پیدایش جنبش کارگری، شرکت پرولتاریای فرانسه یا آلمان در انقلاب ۱۸۴۸ نشان داده که نقش انقلابی این طبقه در روند مبارزه طبقاتی هر کشور به سرعت مرزهای ملی را درهم می‌شکند و در عرصه وسیعتری مبارزه را

## چرا آموزش سوسیالیستی لازم است

بدون مطالعه مارکسیسم ناگزیر خالی از خطر، عدم اطمینان و عمل نیمه کورمالانه نیست. مطالعه مارکسیسم، بعنصوان مارکسیست تنها از طریق شرکت در مبارزه زنده طبقاتی امکان پذیر است. محک نظریه انقلابی عمل است و راه عمل را نظریه انقلابی روشنی می‌بخشد. تنها حقیقت مارکسیسم که در مبارزه حاصل شده، در ذهن و روح حک می‌شود.

اما خود مارکسیسم، جزئی ساکن نیست.

در سال ۱۸۴۸ مارکس و انگلس در بیانیه کمونیست که تولد سوسیالیسم علمی را اعلام کرد، نوشتند:

"نتیجه گیری‌های نظری کمونیست‌ها به هیچ وجه مبتنی بر عقاید و اصولی نیست که این بسا آن به اصطلاح مصلح جهانی کشف یا اختراع کرده باشند.

"کمونیست‌ها صرفاً، مناسبات واقعی ناشی از یک مبارزه طبقاتی موجود، و ناشی از نهضت تاریخی را، که درست در برابر چشمان ما جهان دارد، بطور عمومی، بیان می‌کنند.

طی ۱۳۰ سال پس از نخستین تلاش مارکس و انگلس در ایجاد چارچوبی نظری که بتواند در مبارزه برای جهانی بهتر، راهنمای عمل واقع شود، آن نهضت تاریخی که در بیانیه کمونیست بدان اشاره می‌شود، خود دستخوش تحولات گوناگون گردیده. نسل‌های گذشته و نسل‌های حاضر شاهد حوادث عظیم در تاریخ بوده‌اند: ظهور احزاب کارگری قدرتمند، سرنگون شدن سرمایه داری و استقرار

پیش می‌برد.

بر پایه این واقعیت در سال ۱۸۶۴ بین الملل کارگری (نخستین بین الملل) پایه‌گذاری شد و در این امر کارل مارکس نقش مؤثری ایفا نمود. این بین الملل در مبارزه طبقاتی اروپا و آمریکای شمالی به مدتی بیش از یک دهه نقش اساسی داشته است. تنها با درهم شکستن کومن پاریس و حملات وحشیانه ارتجاع اروپا به طبقه کارگر بود که این بین الملل امکان ادامه حیات نیافت.

اما در سال ۱۸۸۹ با طغیان مجدد جنبش‌های کارگری بین الملل دوم ایجاد گشت و انگلس در پایه گذاری آن تلاش بسیار داشت. این بین الملل به پیدایش و گسترش بسیاری از احزاب کارگری در جهان یاری داد و بیش از بیست سال رهبری جنبش انقلابی پرولتاریا را در دست خود داشت. بین الملل دوم بتدریج تحت نفوذ عقاید فرصت طلبانه قرار گرفت. این عقاید که ابتدا از امید به اصلاح سرمایه داری شروع شده بود عاقبت سوسیال دموکراسی را تا به دفاع از امپریالیست‌ها و دفاع از بورژوازی در جنگ جهانی اول کشاند. در سال ۱۹۱۴ با رای نمایندگان حزب سوسیال دموکرات آلمان به بودجه جنگی در مجلس آلمان و تأیید رهبری بین الملل دوم بود که نشان داده شد این بین الملل به سهم و نقش خویش در دفاع از کارگران پایان داده و رسماً جانب دشمن طبقاتی را گرفته است. از آن بی‌بعد احزاب سوسیال دموکرات نقش نمایندگان بورژوازی در صفوف پرولتاریا را بازی کرده‌اند. اما انقلابیونی چون لنین، تروتسکی، روزا لوکزامبورگ و... شعار ایجاد بین الملل جدیدی را دادند که در دفاع از منافع پرولتاریای انقلابی سازمان یافته باشد.

ایجاد چنین بین المللی پس از پیروزی کارگران و کشاورزان فقیر در روسیه (در اکتبر ۱۹۱۷) ممکن شد. در سال ۱۹۱۹ بین الملل سوم جهت گسترش جهانی انقلاب سوسیالیستی توسط لنین و تروتسکی پایه گذاری شد و تا چهار سال بعد توانست برنامه اساسی بلشویسم را در گستره جهانی ارائه نماید. قطعنامه‌های چهار کنگره این بین الملل نمونه‌های کامل پیشرفت نظریه مارکسیستی محسوب می‌شوند و اهمیت کلیدی خود را در مورد اساسی ترین نکات جدال طبقاتی تا به امروز حفظ نموده‌اند.

با پیدایش انحطاط دولت کارگری شوروی و ضد انقلاب بوروکراتیک بین الملل سوم نیز رویه انحطاط نهاد. استالینیسم شروع به تخریب اساسی ترین تعالیم انقلابی مارکسیسم و آموزش لنین نمود و دامنه این تخریب، مفهوم و عملکرد انقلاب جهانی کارگری و لزوم وجود یک حزب جهانی را نیز در بر گرفت. بین الملل سوم بدل به ابزار دیپلماسی کومپون گشت و احزاب کمونیست به جریان منافع بوروکراتهای مسکو تبدیل گشتند. هر حزب کمونیست صرفاً وسیله فشار گذاشتن به بورژوازی کشور خود شد تا منافع بوروکراسی حاکم بر شوروی در سازش یا ارتجاع

دولت‌های کارگری نخست در اتحاد شوروی و سپس در یک سلسله کشورهای دیگر. در کنار این حوادث پرولتاریای جهان متحمل سهمگین ترین شکست‌ها گشته است: پیروزی فاشیسم در آلمان و اسپانیا، انحطاط دولت شوروی و ظهور پدید استالینیسم و بسیاری دیگر.

طی همین ده سال اخیر ما خود شاهد جلوه‌های دیگر "نهضت تاریخی" بوده ایم که "درست در برابر چشمان ما جریان دارد": جنگ امپریالیستی در ویتنام، قیام کارگران فرانسه و وقایع چکسلواکی در سال‌های ۶۰، انقلاب پرتغال بحران اقتصاد جهان سرمایه داری در سال‌های هفتاد.

امروز این نهضت تاریخی در برابر چشمان ما، یکی از بارزترین تجلیات خود را در اضحلال سلطنت پهلوی، این پایگاه استوار امپریالیسم جهانی در سراسر منطقه، می‌یابد.

مبارزینی که امروز مستقیماً در صحنه مبارزه طبقاتی ایران درگیر نبرد هستند، سود فراوان خواهند جست از اینکه تجربه خود را با تجربیات تاریخی گذشته مرتبط سازند تا آموخته شود نسل‌های انقلابی گذشته چگونه اصول سوسیالیسم علمی را در شرایط گوناگون بکار بردند. تنها از این طریق خواهیم آموخت تا همین اصول را در موقعیت‌های جدید و درباره مسائل جدید بکار ببریم.

ستون جدید با این هدف آغاز می‌گردد که در آن مسایل قابل توجه و مورد علاقه پیش‌تازان مبارزات کنونی، از مسایل جاری و تاریخی، از مسایل نظری مارکسیستی گرفته تا چگونگی برگزاری و دفاع از یک جلسه، به بحث گذاشته شود.

سرمایه داری حفظ گردد.

اما چنانکه دیدیم وجود یک حزب جهانی انقلابی ضرورت پیشرفت مبارزه پرولتاریاست. تروتسکی به این ضرورت آشنا بود و در سال ۱۹۳۳ نیاز به وجود بین الملل چهارم را اعلام داشت. این سالی بود که هیتلر بواسطه سیاست استالینیست‌ها به قدرت رسیده بود. تروتسکی به درستی نشان داد که سیاست چپ روی معروف به "دوران سوم" که از مرکز مسکو به احزاب کمونیست دیکته میشد، مانع ایجاد جنبه واحد کارگری در مبارزه علیه فاشیسم گشته و از این رو رهبری بین الملل سوم مسؤول فاجعه آلمان محسوب می‌شود و بین الملل جدید بمثابة وارث سنن انقلابی چهار کنگره نخست بین الملل سوم باید ایجاد گردد.

در سال ۱۹۳۸ بین الملل چهارم بنیاد گذاشته شد و سند بنیادی آن یعنی برنامه انتقالی بمثابة راهنمای اساسی حزب انقلابی جهانی، مبارزه پرولتاریا را جمع‌بندی نمود. این سند کارگران را با مجموعه‌ای از درخواست‌های انتقالی و دموکراتیک آشنا میکند و راه قطعی درهم کوبیدن سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. پس از کشته شدن تروتسکی بین الملل به حیات خود ادامه داد و بدون شک مهمترین دستاورد زندگی این انقلابی بزرگ محسوب می‌شود. در سال ۱۹۵۴ درون بین الملل انشعابی بوقوع پیوست که تأثیر منفی آن صرفاً بسا اتحاد دوباره بخش‌های از هم جدا شده از میان رفت. امروز خاصه پس از برخاست مجدد موج انقلاب جهانی بین الملل چهارم از موقعیت ویژه‌ای جهت رشد و تکامل برخوردار است.

از میان کلیه جریان‌هایی که علیه استالینیسم مبارزه نمودند تنها بین الملل چهارم است که تداوم تاریخی خود را حفظ کرده و بر پایه اصلی ترین دستاوردهای بلشویسم جهت شکل آگاهترین عناصر پرولتری و جوانان می‌گوشد. این حزب جهانی دارای برنامه‌ای روشن در مورد انقلاب سوسیالیستی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای عقب مانده است و بر پایه تحلیل جامع تروتسکی از جامعه‌ای که انقلاب سوسیالیستی در آن پیروز شده اما به ناهنجاری و انحطاط بوروکراتیک دچار آمده، برنامه انقلاب سیاسی را جهت کشورها، ای به اصطلاح "سوسیالیست" پیشنهاد می‌کند.

بخش‌های بین الملل چهارم همواره نشان داده‌اند که پیگیرترین و بهترین مدافعان دموکراسی و مصمم ترین مبارزان راه سوسیالیسم هستند. امروز بین الملل چهارم از وزن و اعتبار سیاسی بسیار برخوردار است، بخش‌های آن در حال رشدند و نسلی از بهترین مبارزان بدان‌ها جلب می‌شوند.

حزب کارگران سوسیالیست برنامه بین الملل چهارم را در ایران تبلیغ می‌کند و بر اساس آن با سرمایه داری می‌جنگد. این برنامه بیان مبارزه طولانی طبقه کارگر است و به صداقت و روشنی به اساسی ترین مسائل برآمده از جدال طبقاتی پاسخ می‌گوید و کارگران مبارز، جوانان، زنان، ملیت‌های مستعبد، در این برنامه راه حل مشکلات خود را می‌یابند.

حزب کارگران سوسیالیست برنامه بین الملل چهارم را در ایران تبلیغ می‌کند و بر اساس آن با سرمایه داری می‌جنگد. این برنامه بیان مبارزه طولانی طبقه کارگر است و به صداقت و روشنی به اساسی ترین مسائل برآمده از جدال طبقاتی پاسخ می‌گوید و کارگران مبارز، جوانان، زنان، ملیت‌های مستعبد، در این برنامه راه حل مشکلات خود را می‌یابند.

## بین الملل چهارم چیست؟

# «ما انقلاب نکردیم که وضعیتمان بدتر شود»

کریم سلیمان و مریم دانا

اعتصاب، اجتماعات، ما کتابخانه می‌خواهیم، کتاب سلاح کارگر است، ما دیگر نمی‌خواهیم برده وار زندگی کنیم مطالب زندگی انسانی هستیم.

کارگر دیگری از داریوش فروهر خواست که برنامه کوناه مدت و دراز مدت وزارت کار را اعلام کند. وی گفت: دولت دیگر نباید عامل سرکوب باشد. بخشنامه‌های از طرف وزارت کار بختی شده که در آن اعلام شده که همه کارگران باید بسر کار بروند و تولید را بالا ببرند. باید مالیاتها را بپردازند و اگر کسی اخلاص کند باید به مأموران مربوطه اطلاع داده شود. اگر این بخشنامه از طرف وزارت کار نیست باید بطور علنی تکذیب کرد. باید فروهر بگوید که آیا با کمیته اسام خمینی همکاری دارد؟ و در این صورت چرا کمیته امام خمینی کارگران مبارز را بعنوان اخلاص گر دستگیر می‌کند؟ در کارخانه سیمان تهران يك کارگر را مأمورین امام خمینی دستگیر کردند. در شهرک اکباتان خود من را وقتی از شعارهای کمیته ایستاد گرفتم کتک زد و دستگیر کردند. نماینده امام خمینی گفت: هر کسی که بغیر از شعار ما شعار دیگری بدهد باید دستگیر گردد. اعلامیه‌های که به اسم کارگر باشد پاره می‌کنند. بعد از دستگیری من، ۴۰ نفر از کارگران مبارز دیگر با اسم اخلاص گری و شورش علیه دولت موقت توسط مأمورین کمیته امام دستگیر شدند. جلوی پدر من مسلسل درآوردند و او گفت که ما از التکذیب درآمدیم افتادیم دست پلنگ. ما زندانی سیاسی نمی‌خواهیم. ما حقمان را می‌گیریم. ما ضعیف نیستیم و رحم نداریم. انقلاب توسط ما انجام شده. کسانی که تا دیروز مزدور بودند حالا نقش تعیین کننده بازی می‌کنند. ما می‌خواهیم در سیاست دولت دخالت داشته باشیم. چرا از اسم کارگر می‌ترسند؟ ما می‌خواهیم زنجیر را پاره کنیم.

تمام این سخنرانی‌ها با کف‌زدن‌ها و استقبال شدید کارگران روبرو بود. داریوش فروهر بعد از شنیدن تمام این سخنان به جوابگویی پرداخت و در طول صحبتش گفت که این گروه هم‌آبی را بعنوان خواست ۸۰۰ هزار نفر کارگران تهران و حومه تلقی می‌کنیم و در ابتدا قول داد که سه خواست کارگران را در مورد بازگشت کارگران اخراجی، جلوگیری از اخراج کارگران بقیه در صفحه ۱۴

اولین نماینده کارگران درباره نقش عظیم کارگران در جامعه صحبت کرد و گفت: «هرچه تولید می‌شود توسط کارگران انجام می‌شود. جامعه با نیروی بازوی کارگران می‌چرخد و در انقلاب ایران نقش اصلی را کارگران بازی کردند و این دست توانای کارگران نفت و بندر بود که حلقوم شاه را گرفت و او را بیرون کرد. کارگران بکمک هماتران شتافتند و در پادگان‌ها جنگ کردند و انقلاب را به ثمر رساندند. هیچ وزیر وکیل و کارفرمایی را دیدید که پادگان‌ها را خلع سلاح کند و یا شهید شود؟»

نماینده دیگری گفت: «کارفرما برای استخدام مجدد من خواست که عدم سو پیشینه بیاورم. عدم سو پیشینه یعنی اینکه برونده سیاسی نداشته باشیم. یعنی اخلاص گر نباشیم و کسی آیا خواست انتخاب نماینده واقعی سندیکا اخلاص گری است؟ آیا مبارزه برای خواست‌های خودمان اخلاص گری است؟ بغیر از خواست‌هایی که در طول سخنرانی‌ها مطرح شده بودند. سومین سخنگوی کارگران ۱۷ خواست مشخص دیگر را بعنوان خواست‌های اساسی کارگران مطرح نمود: آزادی اجتماعات - کوتاه کردن دست خارجی - شرکت کارگران در مجلس مؤسسان - نظارت کارگران در قانون کار - کاهش کار به ۴۰ ساعت با حساب وقت نهار - لغو مالیاتها - افزایش دستمزد با بالا رفتن هزینه - مساوات کار زن و مرد - دریافت مزد در طول اعتصاب و تشکیل صندوق اعتصاب - تشریح کارگری - یازدهم در سنین ۴۰ تا ۴۵ سال - افزایش حداقل سن کار - افزایش مرخصی از ۱۲ روز به یک ماه در سال.

یکی دیگر از سخنگویان کارگران درباره انتخاباتها نمایندگان به سندیکا‌های کارگران گفت: «صادق‌ترین و پر جوش‌ترین کارگران باید بعنوان نماینده کارگران انتخاب شوند. نه اینکه کارفرمایان نماینده برای ما انتخاب کنند. ما سندیکا و شورا می‌خواهیم. اما وقتی اعلامیه درباره خواسته‌هایمان در کارخانه‌ها بخش می‌گردد به نمایندگان کمیته اسام خمینی به ما می‌گفتند که ما کمونیست هستیم و مانع بخش اعلامیه‌ها می‌شدند. کمیته امام در کارخانه دخالت می‌کند. در حالی که ما بخاطر حق برخاستیم اگر ما کمونیست هستیم همه ملت ایران کمونیست است. ما آزادی می‌خواهیم. آزادی

در اعلامیه‌های که در روز اول اسفند از طرف گروهی از کارگران کارخانه‌های تهران منتشر شده بود. از کلبه کارگران و دوستان کارگر دعوت شده بود که روز جمعه ۲ اسفند در جلوی ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی تجمع کنند تا بسا داریوش فروهر، وزیر کار درباره خواست‌های خود و مشخصا سه خواست زیر وارد مذاکره شوند:

- ۱- بازگشت کارگران اخراجی به کارخانه‌ها
- ۲- جلوگیری از اخراج به دلیل تعطیل کارخانه‌ها
- ۳- پرداخت کلیه طلب کارگران توسط کارفرمایان

روز جمعه ساعت ۹ صبح، هنگامی که کارگران رفته رفته در مقابل وزارتخانه جمع می‌شدند، دو نفر از طرف کمیته امام خمینی آمدند و از کارگران خواستند که متفرق شوند. پس از مخالفت کارگران و اصرار دو مأمور کمیته که می‌گفتند ممکن است عوامل تادریست و سوجو در میان شما بخواهند دست به اغتشاش بزنند. چند تن از کارگران در جواب گفتند که عوامل سوجو در میان صفوف ما جایی ندارند و دولت بازرگانان از ما خواسته پول آب و برق بدهیم در حالی که ما اخراج شده ایم و با حقوقمان را نگرفته‌ایم و نمی‌توانیم این پول‌ها را بدهیم. اینجا هم جمع شده ایم و اینجا می‌مانیم تا با آقای فروهر مذاکره کنیم.

تجمع کارگران رفته رفته بزرگتر شد تا بیش از ۱۵۰۰ نفر گرد هم آمدند و در سالن وزارت کار اجتماع کردند. بقول چند نفر از سخنگویان کارگران این اولین باری بود که خود کارگران در سالتی که به اسم آنان ساخته شده بود ولسی هیچوقت رنگ آنرا ندیده بودند جمع می‌شدند. سه شعار بر سر در این سالن، آمال کارگران را بخوبی و روشنی بیان می‌کرد: ۱- ما خواهان نظارت در تولید و توزیع می‌باشیم. ۲- ما کارگران خواهان حق اعتصاب، آزادی بیان، نشر عقاید هستیم. ۳- ما خواهان تهیه قانون کار جدید تحت نظارت نمایندگان واقعی کارگران هستیم.

آقای داریوش فروهر در این جلسه شرکت کرد و پس از سخنرانی شش نفر از نمایندگان کارگران کارخانه‌های متعدد، در مورد خواست‌های کارگران نظر خود و دولت موقت را ابراز کرد. در اینجا قسمت‌هایی از سخنان نمایندگان کارگران و فروهر را می‌آوریم:

## ۱۷ اسفند، روز جهانی زنان را جشن بگیریم



اعلامیه زیر از طرف کمیته موقت تدارکات روز جهانی زنان در ایران منتشر شده است. تاکنون عده کثیری از زنان مبارز پشتیبانی خود را از برگزاری مراسم بزرگداشت این روز در ایران اعلام داشته‌اند. ما نیز پشتیبانی خود را از این گام خواهران مبارز اعلام می‌داریم و از همه طرفداران و خوانندگان این نشریه می‌خواهیم که فعالانه در جهت برگزاری هرچه وسیعتر این بزرگداشت شرکت کنند.

هدف هم اسفند، مطابق با ۸ مارس، روز جهانی زنان است. در این روز در سراسر گیتی، از آمریکا گرفته تا آسیا و از استرالیا گرفته تا اروپا و آمریکا، زنان مبارز برای احقاق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مساوی و برای آزادی از قید هرگونه بند و ستم بدور هم گرد آمده، جلسات و تظاهرات وسیعی برپا می‌کنند.

ریشه‌های تاریخی روز جهانی زنان به بیش از هفتاد سال قبل، یعنی ۸ مارس ۱۹۰۸ برمی‌گردد. در این روز زنان کارگر جامعه دوز شهر نیویورک علیه شرایط غیر انسانی کار و برای کسب حق رأی تظاهرات عظیمی برپا کردند. دو سال بعد در کنگره زنان سوسیالیست در کینهاک این روز بعنوان روز جهانی زنان انتخاب شد. در سال ۱۹۱۷ در همین روز بود که زنان کارگر نساجی در روسیه بپاخواستند و برای اعتراض به وضع بد زندگی، کمی دستمزدها و قحطی نان اعتصاب کردند. این اعتصاب سرآغاز سلسله مبارزاتی بود که بالاخره به سرنگونی سلطنت تزار و پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه منجر شد.

پس از به خاموشی گرائیدن آتش فروزان جنبش مساوات طلبانه زنان در دهه ۱۹۲۰، این روز هم در اغلب نقاط جهان بدست فراموشی سپرده شد.

با اوج گیری مجدد جنبش آزادیبخش زنان در دهه اخیر، روز جهانی زنان تبدیل به روز همبستگی و هم پیمانی زنان تمام جهان برای ریشه کن کردن هرگونه تبعیض و ستم علیه زن و پایان بخشیدن به موقعیت اجتماعی درجه دوم زنان شده است.

برای زنان ایرانی اسام روز جهانی زنان از معنی و

شاهد بی‌چون و چرای این مدعا هستند. میلیون‌ها زن ایرانی با شرکت خود در این مبارزات به همه جهانیان نشان داده‌اند که زنان می‌توانند و می‌باید در همه شئون اجتماعی شرکت داشته باشند.

در طی سال گذشته زنان نیز درخواست‌های خود را برای احقاق حقوق پایمال شده خود عنوان کردند. در نواحی مختلف کشور درخواست‌های زیر از طرف زنان مبارز مطرح شده است:

- مزد مساوی در مقابل کار مساوی
- مهد کودک رایگان برای همه
- لغو قوانین بوسید و ارتجاعی که حق تصمیم‌گیری در مورد زندگی و سرکوشش زنان را در اختیار دیگران قرار می‌دهد
- حق شکل سازمان مستقل و مبارز زنان

مفهوم خاصی برخوردار است پس از یکسال و نیم مبارزه وسیع و بی‌امان، به نیم قرن استبداد و ظلم پهلوی و رژیم شاهنشاهی خاتمه داده شده است. در این مبارزه سخت و طولانی در همه جا زنان دوشادوش برادران خود بسرای درهم نوردیدن بساط حکومت سرنیزه و توری و مفتوح کردن باب آزادی‌های سیاسی و مدنی مبارزه کرده‌اند. در این جدال تاریخی حق و باطل زنان هیچگونه تزلزلی از خود نشان ندادند و از دور افتاده ترین تصیبات گرفته تا شهرهای چند میلیونی همای برادران خود با قدم‌های استوار در راه انقلاب پیش رفتند.

بیش از یکسال مبارزه بی‌امان در ایران، برای همیشه افسانه ضعف‌نگری و جسمانی زن را منهدم ساخت. هزاران زن ایرانی که جان خود را نثار آزادی کردند و به دست درخیمان رژیم شاهنشاهی به خاک و خون کشیده شدند،